

تعطیل طولانی دانشگاهها بسود انقلاب نیست

روز ۱۴ خرداد دانشگاهها طبق تصمیم شورای انقلاب تعطیل شد. خوشبختانه بر اثر هشیاری نیروهای انقلابی، این تعطیلی بدون برخورد و درگیری انجام شد و ضد انقلاب نتوانست آن را بهانه ایجاد تشنج و آشوب قرار دهد.

اما درباره تعطیل ماندن طولانی دانشگاهها سخن بسیار است. صحبت از دو سال و سه سال می رود. بر اثر اظهارات برخی مقامات مسئول، کار دیگر از مرز شایسته گذشته و قوت واقفیت یافته است. همین دلیل افتادگی و نگرانی دانشجویان است. مسدود شدن دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به تحصیل ممتد و نگران و وضع خویشتن، پدران و مادران این دانشجویان از سر نشو و نما تحصیل فرزندان خود نگراند. ۳۰۰ هزار دانش آموزی که امسال در مدارس و مراکز آموزش عالی و مراکز آموزش عالی می شوند، همراه پدران و مادران در بلا تکلیفی بسر می برند. سازمانها و گروهها بقیه در صفحه ۲

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۵۹
دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۸۱

آری، قیمتها به مرز خطرناکی رسیده است!

آقای بنی صدر در بازدید اخیر خود از مازندران طی یک سخنرانی گفت:
«الان قیمتها به یک مرز خطرناکی رسیده است که از این مرز به آنطرف ممکن است خیلی سرعت بالا رود و دیگر ما نباشیم که بتوانیم بایکدیگر بنشینیم و مسائل را در میان بگذاریم.»
این واقفیت تلخی است. افزایش بیای کالاهای مورد نیاز مردم چنان شتاب گرفته، که همپایی با آن برای اکثریت خانوادههای زحمتکش ممکن نیست. این صعود وحشتناک قیمتها خطر جدی برای انقلاب ایران است، زیرا ضد انقلاب در وجود سرمایه داران بزرگ و بازرگانان کلان، هم در بوجود آمدن آن مستقیماً دست دارد و هم مستقیماً از آن بهره برداری میکند.

بی کفایت، مفرض و خرابکار دارند، کالا کافی نخواهد بود و چون کالا کافی نباشد قیمتها بالا خواهد رفت. آقای رئیس جمهور در سفر اخیر خود به مازندران گفت:
«۱۶ ماه پس از انقلاب هنوز صنعت مازندران راه نیفتاده.»
و این قط مازندران نیست که صنایع آن را کساد است. از اینگونه صنایع و از اینگونه شهرها متأسفانه فراوان داریم. دولت جمهوری اسلامی ایران، در اجرای قانون اساسی، نباید یکبار برای همیشه تکلیف خود را با صاحبان صنایع روشن کند. سرمایه داران وابسته از اقتصاد ایران باید حذف کرد و سرمایه داران ملی را در چارچوب نظام اقتصادی مصرح در قانون اساسی تشویق به سرمایه گذاری نمود. بخش عمده مشکلات صنایع ما در این است که هنوز تکلیف مالکیت و چارچوب آن مشخص نیست. سرمایه داری وابسته که باید از صنعت اقتصاد ایران راندند شود، بویژه در بخش بازرگانی سرگرم چپاول است و سرمایه داران ملی، که در چارچوب جمهوری اسلامی ایران امکان فعالیت دارند، احساس عدم امنیت میکنند و راضی به سرمایه گذاری نیستند. سیاست اقتصادی دولت هنوز در راه است و سیاست روشنی نسبت به این دو بخش سرمایه داری وجود ندارد.

در ادامه اکثریت مردم هم قلیل است و هم ثابت. چند ماه پیش به استاد ارزبایی نادرست بانک مرکزی ایران از میزان تورم (۲۱ درصد)، دستمزد کارگران ۱۲ درصد افزایش یافت و از ۵۶۷ و ۶۳۵ ریال رسید، در حالی که در همان تاریخ، تورم به ۵۰ درصد رسید. دستمزد روزانه ۶۳۵ ریال برای یک خانواده کارگری، یعنی ماهانه ۱۹۰۰ تومان - براساسی با این پول چه باید خرید؟ با این پول چه میتوان کرد؟ حقوق کارمندان دولت نیز در یکسال اخیر افزایش نداشته، در حالی که قیمتها، بقول آقای رئیس جمهور، ۵۰ درصد افزایش داشته است. سایر اقشار و طبقات زحمتکش که پیش وضع مشابهی دارند و بهمین دلیل گرانی نشان را بر سرده است.

دولت در چندین یکبار نرخ خرده فروشی و میوه و تره بار و زینج و زبون و تخم مرغ و برخی اقلام دیگر را رسماً اعلام میکند، ولی با این نرخها کالا در بازار وجود ندارد. بر روی کالاها برچسب قیمت نیست. نرخها شفافاً اعلام میشود و تخفیف هم ندارد. مردم محروم بناچار با زبیل - های خالی و قلبهای فشرده سر بسوی خانه میگردانند و از خرید بسیاری از کالاهای مورد نیازشان بالاچار سرفظر میکنند. آن اقلیتی که پول باد آورده دارد، باکی از گرانی ندارد، زیرا پولهای باد آورده را باید سرانجام در جایی بپاشد.

برای مقابله با گرانی و گرانیفروشی نه تنها مسئولان امر به فکر اقدامات اساسی نیستند، بلکه با اتخاذ تصمیمهای نادرست، خود گرانی را تشدید میکنند. چند ماه پیش قیمت نان به بهانه ارزان شدن، گران شد و هنوز هم همچنان گران است. هفته گذشته بهای سیگار به دو برابر رسید، که تأثیر آن بر روی گرانی سایر کالاها آشکارا نگرانی است. ماهوار ادار تشویق سیگار کشی نیستیم. ولی این واقفیت است که اکثریت این مردم معتمد به سیگار هستند و بخش از درآمد روزانه خود را در این راه می دهند. وقتی سیگار گران شود، به تبع آن، سایر کالاها نیز گران خواهد شد.

بسیارچه مصرف کننده ای که با درآمد ثابت و ناچیز خود، باید با این افزایش جدید قیمتها مقابله کند. متأسفانه مسئولین امر ضمن توجه به مشکل گرانی، هیچ راه علاج قطعی برای آن ارائه نمی کنند. کنترل قیمتها از راه شلاق زدن و تعطیل چند روزه محل کسب، علاج قطعی که نیست هیچ، حتی در زمان موقت هم نیست. گرانی و گرانیفروشی پدیده ای اقتصادی است و باید با برنامه های اقتصادی به مقابله با آن شتافت.

مسئولین اجرایی غالباً از مردم می خواهند کمتر مصرف کنند. این توصیه را می توان به ۱۰ درصد جمعیت کشور کرد، ولی سدی نود این مردم مصرف روزانه شان به آن حد نازلی رسیده که دیگر نمی توان بازم از سر توه آن زد. میتوان نسیمه گریه بود، اما نمی توان برای همیشه گریه ماند یک خانواده کارگری، که دو هزار تومان در آمد ماهانه ندارد، نه تنها قادر نیست گوشت کیلویی ۵۰۰۰ ۶۰ تومان، برنج کیلویی ۱۶ تومان و گلاباس کیلویی ۳۰ و ۳۵ تومان بخورد، بلکه در شرایط حاضر، تهیه یک وعده غذایی حاضری هم برای او دشوار است. زیر این اوضاع کیلویی ۵۰۰۰ ریال و خیار کیلویی ۶۰۰۰ ریال مافوق استطاعت اوست. پس چگونه می توان به او توصیه کرد که مصرف خود را محدود کند؟

برخی مسئولین اجرایی گناه گرانی را به گردن مردم می اندازند و از آن آنگاه می خواهند که خود جنس گران نخند، خود با گرانی فروشی مبارزه کنند. این توصیه نیز منطقی نیست. مردم دولت انتخاب می کنند تا اداره اقتصاد کشور، نظارت بر قیمتها و تأمین نیازمندیهای مردم را بر عهده گیرد. نمی توان کنترل قیمتها را به مردم سپرد و در هر کوی و برزن نزاع و دعوا بر پا کرد. نمی توان از مردم گرفتار متوقع بود که مقداری از وقت تنگ خود را صرف کارهای گران با کاسب و و ناوای محل و شکایت به کمیته و پاسدار کنند. باید بجای توسل به این راههای غیر منطقی بیشتر، به دنبال علاج واقعی در دولت.

علاج واقعی در مردم نیست، مگر آنکه نخست آنگاه که کالا در بازار عرضه کنیم که با نیازمندی مردم مطابقت داشته باشد. تا زمانی که اقلام ما محتاج عمومی نیابو کمیاب است، گرانی و گرانیفروشی ادامه خواهد یافت. تا زمانی که موسسات تولیدی صنعتی لنگند، یا مواد اولیه ندارند، یا مدیریت چنگه مجازات گریخته اند، افشا شود. منظور از کارهای ساواک، کلیه سازجوها، سر سازجوها، شکنجه گران و ملراخان و بر نامه ریزان و رؤسا و ممالک و ممالک ساواک است، که اینان هر یک توسط سازمان های جاسوسی امپریالیستی آموزش دیده اند و اکنون هر یک از سازمانها توطئه و خرابکاری علیه انقلاب ایران هستند. باید علیه این جنایتکاران با قاطعیت و وسعت تحت پیگرد قرار گرفت و دستگیر و مجازات شوند.

زیرین را بگونه ای هر چه سرعتر، قاطعتر و همه جانبه تر، ضرورتی حاد و فوری میدانیم و با تأکید مسئولان و مسئولان، انجام آنرا از مسئولین امر مصرانه می طلبیم: ۱- باید نام کلیه مشخصات ساواک کیهانی که دستگیر شده و سپس به دلیل نامعلوم آزاد شده اند، بصورتی گسترده افشا شود و این اسامی و مشخصات در اختیار کمیته های انقلاب و سپاه پاسداران، جهت تصفیه و مجازات این جنایتکاران، که در صفوف آنها رخنه کرده اند، و نیز جهت پیگرد و کنترل آنان، قرار داده شود. لازم به تذکر است که این اقدام ضروری و حاد، اکنون بصورت پراکنده توسط دادرسیهای انقلاب در اینجا و آنجا عملی میشود، که ناکافیست و باید بصورتی همه جانبه و گسترده انجام پذیرد. ۲- باید نام و مشخصات کلیه کارهای کارگشته ساواک، که از

ساواک را افشا کنید و درهم بکوبید!

اکنون نیز فالانه نیروی مخرب خود را جمع آورده می کنند و در صدد وارد شدن شربات مهلک بر یکسایر انقلاب ایران هستند. حقایق که پس از تجاوز نافرمان نظامی امپریالیسم آمریکا علیه ایران افشا شد، بوضوح گویای آن بود که این جنایتکاران وظیفه مهمی در انجام طرحهای خطرناک امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن انقلاب ایران بر عهده داشته اند.

جنایتکاران ساواک همچنان در پی نیروی انقلاب ایران کوشیدند تا اعمال خود را به درون ارگانهای انقلابی و سازمانهای کثوری و لشکری رسوخ دهند و حرکت چرخ انقلاب را از درون کند سازند، برای انجام توطئه های ضد انقلاب راه باز کنند و همه را نسبت به ارگانهای انقلاب بدین گونه متأسفانه با آزاد شدن گروه کثیری از این توطئه گران و دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران، هم ضد انقلاب جاسوس و فرتوی یافته و هم نیروهای کارآموز و دستپاچه برای انجام توطئه های دامن داری در اختیار او قرار گرفته است. ساواک سازمان یافته اکنون واقفیتی آشکارا پذیرفته است، که به حال نیز زبان چدی به انقلاب ایران وارد آورده است. خطر فانیتهای مخرب ساواک هم اکنون دستاوردهای انقلاب ایران را بحدت تهدید میکند. این خطری است که بسیاری از نیروهای مسئول و ارگانهای انقلابی نیز آنرا تأکید کرده اند، ولی اقدام لازم و ضروری برای مقابله با آن، بسیار پرانگیزه و جزئی و ناکافی انجام می گیرد. تمام درس کوب قاطع سازمان جنایتکاری که عمده ترین نیروی ضد انقلاب را تشکیل میدهد، نیز باید گذاردن تهدد و مسئولیت نسبت به انقلاب، باز گذاردن دست امپریالیسم جنایتکار امپریالیسم داخلی آن در انجام توطئه های خطرناک علیه انقلاب ایران و بخطر انداختن جسدی جمهوری اسلامی ایران است. دست زدن به اقدامات جزئی، نیمه کاره و ناهماهنگ نیز در شرایط بسیار حساس کنونی نمی تواند گری از مشکل مقابل با فانیتهای مخرب این جنایتکاران بکشد.

همین دلیل ما انجام اقدامات

در صفحات بعد

بررسی تحلیلی از نقش دول امپریالیستی و سوسیالیستی در بازرگانی خارجی ایران

۲ صفحه ویژه برای دهقانان آذربایجان:

- صحنه هایی از مبارزات دهقانان آذربایجان
- هر چه سریعتر باید قانون اصلاحات ارضی اجرا شود
- گلری به روستا (در انتظار بهروزی)
- در دهات شهرستان اهر چه میگذرد؟
- با کوتاه کردن دست مالکان و تقسیم اراضی، وضع زندگی روستاییان «اوشانچی» را سامان دهید
- روستای «عسل بکلو» یکی دیگر از مظاهر «تمدن بزرگ آریامهری»!

گفتاری کوتاه درباره انتقاد و انتقاد از خود

با پاکسازی هر چه سریعتر، صنعت نفت را از تحریکات ضد انقلاب مصون نگه دارید!

مسائل کارگری - صفحه ۳

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



برای مقابله با آمریکا متحد شویم!

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

با پاسکاری هر چه سریعتر، صنعت نفت را از تحریکات ضدانقلاب مصون نگه دارید

مسائل کارگری

بر کارگران انقلابی پاکدیس چه می‌گذرد؟ چرا شورای واقعی کارخانه پاکدیس منحل شد و اعضای آن اخراج شدند؟

سابقه مبارزاتی - کارگران کارخانه پاکدیس پیش از انقلاب و در زمانی که کوچکترین اعتراض و اعتصاب دسته‌جمعی کارگران منجر به سرکوب و اخراج کارگران می‌شد، در هر ماه ۵۷ به‌عنوان اعتراض به زورگویی‌های رژیم ضدکارگری شاه مخلوع و به‌خطر دست یافتن به پاره‌ای از خواسته‌های دست به اعتصاب زدن، در آن زمان، «صدقی» رئیس کارخانه، که دستگاه جنمی ساواک را در پشت‌سر خود می‌دید، نسبت به خواسته‌های کارگران بی‌اعتنائی کرد و علاوه بر پشتیبانی «افضلی»، مأمور ساواک در پاکدیس، ۶ نفر از نمایندگان کارگران را اخراج کرد. موج اخراج آغاز شد و در عرض یک ماه ۲۵ نفر از کارگران آگاه را اخراج کردند.

نماینده بنیاد اعتراض کردند و اعلام داشتند که این شخص باید به کارخانه بازگردد، در غیر این صورت مدیر عامل را به رسمیت نخواهند شناخت.

کارگران روز شنبه ۲۳ اردیبهشت با اتحاد کامل دو تن از عوامل نقایقکن را اخراج کردند و کار و تولید را از سر گرفتند. اخراج‌شدگان در پی آنجا که سرپرست بنیاد ادعا کردند که: «۴۰۰ نفر کسبوست از دانشگاه به کارخانه حمله کرده و کارگران مسلمان را بیرون انداخته‌اند و در حال حاضر یک گروه فرغان در آنجا است که می‌خواهد کارخانه را منجر کند، زودباشید کاری بکنید»

بنیاد متوسلین امر فریب این حیل‌گران را خوردند و آگاهانه یا ناآگاه از بلندکوی مسجد اعظم مردم را برای قلع و قمع «کمیونست‌ها» به کارخانه دعوت کردند. حدود ساعت ۱۱ صبح همان روز، ۳ دستگاه اتوبوس شرکت واحد و چند وانت، عمده‌ای جماعتدار را به کارخانه آوردند. جماعتداران به کارخانه هجوم بردند و ۱۵ نفر از کارگران و ۲ نفر نماینده بنیاد مستضعفین را با کمال بی‌شرمی و با ضرب و شتم با خود بردند.

ولی دادگاه انقلاب همان روز دستگیر شدگان را آزاد کرد. اما متوسلین کارخانه آنان را به کارخانه راه ندادند. سپس ۳ نفر از آنان را با اخذ تمهیدنامه به کارخانه راه دادند. در تمهیدنامه مذکور به کارگران تفهیم می‌شود که: شما بشرطی به کارخانه می‌روید که از صبح تا شام هیچ حرفی نزنید و لال باشید!

دیگر کارگران اخراجی، با گذشت بیش از یکماه، هنوز سرگردانند. نه آنان را به کارخانه راه می‌دهند و نه رسماً حکم اخراجشان را می‌دهند.

متوسلین مربوطه کاری ندارند که خانواده این کارگران زجر دیده از کجا نان، خورند؟ تعداد چهارده نفری که هر روز به دست‌خالی به سراغ خانواده خود می‌روند، از این پا درهوانی و سرگردانی به‌تنگ آمده‌اند. همه آرگانهای مسئول، به‌ویژه بنیاد مستضعفین، آنها را دست بدست می‌کنند و گوش شنوایی نیست...

کارگران می‌گویند: «تصادفی نیست که امام خمینی می‌گویند: تا رأی راست است که بنیاد مستضعفین به بنیاد مستکبرین تبدیل شده است؟ پراستی آیا این قبیل کارها شایسته یک نهاد انقلابی است؟» و شمار آنان این است که:

«ما در راه امام می‌رویم و بنیاد مستضعفین مکافات می‌دهد، پس فرقیان بنیاد مستضعفین و مستکبرین در چیست بگو؟» کارگران به اخراج خویشانه همکاران خود و نماینده بنیاد در کارخانه، که به‌جرم طرفداری از کارگران مشمول اخراج شده است، اعتراض دارند و از متوسلین امر خواستار آنند که در اسرع وقت با حسن نیت و قاطعیت به مشکلات ناشی از این درگیری، و در جهت رفع این خودکامگی‌ها، رسیدگی شود.

شورای اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز، روز سه‌شنبه ۵۹/۳/۱۹، در سالن آتش نشانی شرکت نفت تشکیل جلسه داد. در این جلسه که با شرکت نمایندگان شوراهای اداری داخلی کارگاهی تشکیل شد، کمیته پاسکاری از حقیقتی پیرامون برداشته از یکسو تأسف آرد و از سوی دیگر هشدار دهنده است. کمیته پاسکاری در گزارش خود اعلام کرد که نماینده تام‌الاختیار دادستان کل انقلاب در صنعت نفت (که خود راه‌نام دکتر حیدری به کمیته پاسکاری معرفی کرده است) در واقع همان مهدی رهنما خراوه‌ای وکیل رشوه‌گیر سابق است، که به اتهام کلاهبرداری وسوءاستفاده مالی یکبار در سال ۵۲، و بار دیگر در سال ۵۵، از طرف قانون وکلای دادگستری، از سمت وکالت منقح گردید!

مهدی رهنما خراوه‌ای در پی تلاش‌های خستگی‌ناپذیر شورای اسلامی کارکنان صنعت نفت، برای تصفیه عناصر ناباب در شرکت نفت، و استنادی این شورا در برابر سند انذارها و کارکنانهای مخالفان پاسکاری، برای نظارت بر ام پاسکاری منصوب شده بود. این شخص با نام مستعار دکتر حیدری در همکاری (۱) خود با کمیته پاسکاری، حکم براه تصفیه‌شدگان از سوی شورا را، که اغلب از وابستگان رژیم سابق وسوءاستفاده‌کنندگان مالی بوده‌اند، صادر کرده و از آنان دعوت به همکاری مجدد کرده است. این عمل قانون شکنانه، که برخلاف اراده کارکنان صنعت نفت صورت گرفته، از دو جهت هائیکرانی است:

اولاً می‌تواند خشم و از جزارفتن کارکنان را در پی داشته باشد و زمینه را برای سوءاستفاده ضدانقلاب و در جهت بوجود آوردن محیطی متشنج و آشوبزا فراهم آورد. ثانیاً نشان می‌دهد که افراد فاقد صلاحیت توانسته‌اند به آرگانهای اجرایی مملکت، راه یافته و به عملیاتی اخلاک‌گرا دست یازند. در شرایطی که ما درگیر نبرد مرک و زندگی با امپریالیسم جهانی، پس کردگی امپریالیسم آمریکا هستیم، هر چه یکسوی پوخته

فقدان امکانات ایمنی در کارخانه آجر «ثبات» باعث فوت یک کارگر و صدمه دیدن همکار او شد

چندی پیش سانحه‌ای در کارخانه آجر ماشینی «ثبات» روی داد، که بر اثر آن ۲ تن از کارگران بر قمار این کارخانه شهید شدند. همکاران سوانح سوختگی شدند. این کارخانه، که در حوالی چرخک درامین قرارداد، ۵ سال مداوم در ۳۳ شیفت به تولید آجر ماشینی مشغول بوده است. جریان حادثه بدین نحو بوده است که مالک کارخانه جهت تأمین برق کارخانه، به حکام قطع برق شهری اقدام به خرید ۳ دستگاه ژنراتور می‌کند و متعاقباً ۲ تن کارگر مصدوم (که متأسفانه یکی از ایشان بنام جعفر محمدولی پس از چند روز در بیمارستان سوانح سوختگی فوت می‌کند) به همراه دو نفر دیگر از کارگران بر قمار که از طرف شرکت فروشنده ژنراتورها آمده بودند، مسامور و سب دستگاههای ژنراتور در کارخانه می‌شوند. عملیات نصب دستگاهها، که از صبح شروع شده بود، تا ساعت ۹ شب ادامه می‌یابد. در این هنگام جعفر محمدولی (کارگر متوفی) جهت ایجاد روشنایی محیط فعالیت بر قمار، بوسیله یک رشته سیم (۲/۵ میلیمتری) اقدام به گرفتن برق از تابلوی کهنه و ناامن تقسیم برق روشن کردن یک چراغ می‌کند، که ناگهان اتصالی رخ می‌دهد، و بر اثر آتش که از جرقه ناشی از اتصالی بوجود می‌آید، جعفر محمدولی و سیدرضا اصفهانی دچار سانحه شدند، توسط همکاران خود

به بیمارستان سوانح سوختگی منتقل می‌شوند. هر دو کارگر مصدوم از فرمالین شورای کارخانه آجر ماشینی ثبات بوده‌اند. کارگر متوفی قبلاً در کارخانه «دیت ممتاز» مشغول کار بوده و آقای سیدرضا اصفهانی کارگر مصدوم دیگری که هم‌اکنون نیز در بخش ۲ بیمارستان سوانح سوختگی بستری است و تاکنون ۲ بار مورد عمل جراحی پوست قرار گرفته است، قبلاً (۱۱ ماه پیش) در کارخانه «پارس توشیاه» زشت کار میکرده است. قابل توجه است که در آذرماه سال ۱۳۵۸، بدنبال پیگیری اعضاء شورای کارخانه ثبات، جهت رسیدگی به فقدان وسایل ایمنی در محیط کارخانه، از بازرسان وزارت کار و امور اجتماعی دعوت بعمل می‌آید تا کمیته‌ها را از نزدیک مشاهده کنند، لکن نتیجه تلاش بازرسان توسط مدیر کارخانه بایگانی می‌شود. اکنون نیز گرچه باید علت سانحه توسط بازرسان وزارت کار بدقت مورد بررسی قرار گیرد، مه‌ناهیج اقدامی صورت نکرده است. برای اطلاع آقایان بازرسان وزارت کار و امور اجتماعی باید به این نکته اشاره کرد که آتش که بر اثر جرقه ناشی از اتصال در یک سیم ۲/۵ میلی‌متری رخ می‌دهد و حداکثر ۱۵ ثانیه دوام می‌آورد، به تنهایی قادر نخواهد بود که ۲ نفر را در فاصله‌های نیم متر تا ۶۰ سانتیمتر، به این شدت مصدوم سازد.

نیست، که صنعت نفت باید از آشفتگی‌ها و ناآرامی‌های سیاسی دور باشد. همچنین هر چه یکسوی پوخته نیست که نقش کارکنان دوشادوش مردم نهران، در انقلاب شرکت کردند و با اتحاد دلیرانه خود رژیم سابق را برانداختند. از این رو آنان حق دارند، با پیروزی انقلاب، در محیطی که از لوث وجود وابستگان رژیم سابق پاک شده باشد، کار کنند. بنابراین چرا ارگانهای اجرایی نباید با مسئله پاسکاری در شرکت نفت، که به صورت یک مسئله گریه درآمد، برخوردی جدی داشته باشند؟

شورای اسلامی کارکنان صنعت نفت در طول ۱۵ ماهی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد - علی‌رغم پیگیری‌ترین کوششها در زمینه پاسکاری، بخاطر مسامحه کاری و کارکنی روسا و مدیران ازمیسان سدما عنصر فاسد که در صنعت نفت اشتغال داشته‌اند و مخفیانه با رژیم سابق همکاری می‌کردند و با سوءاستفاده مالی مبادرت می‌ورزیدند، توانست فقط ۶۹ نفر را مشمول تصفیه قرار دهد! صرف نظر از محافظه‌کاری زبان‌بخت ارگانهای اجرایی کشور، با کمال تأسف، هنوز هم، اینجا و آنجا، عده‌ای حتی طرد قلمی این ۶۹ نفر را در این زمین علامت سؤال قرار می‌دهند! شکی نیست که جلوگیری از پاسکاری در صنعت نفت به هر شکل و بهانه، و تحت هر عنوان که صورت بگیرد، سبب تازشایی شده، و در نهایت بسود ضدانقلاب تمام خواهد شد.

ضدانقلاب با سوءاستفاده از تازشایی، در میان چپ‌نمایان به تحریکات ماجراجویانه، دست می‌زند و سپس در میان راست‌گرایان موجبات عکس‌العملهای سرکوبگرانه را پدید می‌آورد و بدین سان جوهر آشوب و خطرناکی را فراهم می‌سازد که ممکن است منجر به از کار افتادن چرخهای صنعت نفت شود. تصفیه عناصر وابسته و سوءاستفاده‌کنندگان ازبیت‌المال را باید جدی گرفت و با آن برخورد مؤثرانه داشت.

شورای اسلامی کارکنان صنعت نفت در اساس بی‌انگیز اراده هزاران نقشک زحمتکش است که برای پیروزی انقلاب جان‌نثاری کردند. باید به تصمیمات این شورا احترام گذاشت و به خواسته‌های برحق و قانونی آن گردن نهاد.

هم‌اکنون تنها اقدامی که از جانب صاحب کارخانه صورت گرفته، استخدام ۲ نفر پرستار خصوصی جهت مراقبت از این دو کارگر مصدوم بوده است که اکنون، پس از فوت یکی از کارگران، ایشان فقط خارج یک پرستار خصوصی را جهت مراقبت از آقای سیدرضا اصفهانی می‌بردارند. (مبلغی در حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان تاکنون پرداخته است).

از طرفی بر اساس درخواستهای مکرر کارگران و اعضاء شورای کارخانه آجر ماشینی، قرار شد که مبلغ ۱۰۰ هزار تومان به‌عنوان غرامت به بازماندگان کارگر متوفی (جعفر محمد ولی) از طرف کارفرما پرداخت شود. لکن کارفرما پرداخت این مبلغ داموکول به‌تأیید کرده، که از جانب کارگران پذیرفته نشده، و بدین ترتیب موضوع پرداخت غرامت عمل‌مکتوب باقی ماند. شرایط کارفرما عبارت بودند از:

- ۱- بخشی از مبلغ فوق‌الذکر باید کارگران کارخانه ثبات از طریق یکی از کارمندان دیکی از ایام تعطیل هفته (روزجمعه) بپردازند!
- ۲- بقیه وجه نیز از طریق محاسبه مخارج ناشی از یکروز استهلاک ماشین آلات کارخانه توسط کارفرما پرداخت گردد!

جعفر محمدولی (کارگر متوفی) دارای زن و ۳ فرزند بوده، که اکنون بدون سرپرست مانده‌اند و آقای سیدرضا اصفهانی نیز ۲ فرزند و یک خواهر و مادر خود را تحت تکفل دارد. با وجود آمدن چنین حوادثی است که همکاران کارگران مصدوم به تلاش و پیگیری خود هر چه بیشتر خواهند افزود تا با تکمیل وسایل ایمنی محیط کار خود، در آینده از بروز حوادث مشابه جلوگیری کنند.

شغلی فقط در روز می‌تواند عایدات و سود خود را حساب بکنند. تمام تسهیلاتی که از طرف قانون، برای رفاه کارگر بصوبه نمایندگان ملت می‌رسد، از طرف کارفرما مردود و غیرقابل اجراء است. آیا شما میدانید که اگر کارگر در جامعه دست از کار بکشد، تمام دستگاه کشور از کنار می‌افتد و کشور بسوی سقوط و نابودی یش می‌رود؟ پس اگر نقش حیاتی جامعه بوسیله کارگر ایفا می‌شود، چرا هیچگونه رفاه و آسایشی برای کارگران، بخصوص این پرسنل، در نظر گرفته نشده است؟ پس چرا کارگر از هرچیز از امکانات رفاهی و معنوی بهره‌ای نمیببرد، ولی در عوض آن سرمایه‌دار زالوفت است که از تمام امکانات رفاهی و معنوی بهره‌میرد، و آن سرمایه‌دار است که از خون حیاتی کارگر تغذیه می‌کند!

ما از متوسلین محترم می‌خواهیم که با فرستادن نماینده به سندیکا و جمع‌آوری مدارک بخواسته‌های یک‌یک کارگر رسیدگی کنند... در صورت عدم رسیدگی عواقب احتمالی اقدامات خود کارگران گریه‌برنده متوسلین محترم خواهد بود. ما کارگران از کلیه سازمانهای دولتی و مردم مسلمان و غیره مشهد تقاضای پشتیبانی را داریم!

سندیکای کارکنان داروخانه‌ها و موسسات دارویی مشهد: با فرستادن نماینده به سندیکا و جمع‌آوری مدارک، بخواسته‌های کارگران برسید!

مسکن و خواربار هنوز به ۲ کارگران داده نمی‌شود. نیمی از افراد با سابقه، که عمری کار کرده‌اند و تجربه‌ای بدست آورده‌اند، حقوقشان از حقوقی که اداره کار برای افراد عادی تعیین کرده است، کمتر است. کارگران با کوچکترین خطا از محل کار اخراج می‌شوند. اگر کارگری طبق میل کارفرما کار نکند، (ولو اینکه این میل خلاف قوانین کارگری و کنسوری باشد) از کار برکنار می‌شود. کارگران در محیط کار تحت فشار سرمایه‌دار قرار دارند، که اگر فلان بکنی از محل کار اخراج می‌شوی و جای دیگر هم نمی‌توانم کار بکنی، و اگر هم اختلافات به‌اداره کار برسد، با بستن یک تهمت خود را تبرئه می‌کنی، بدون پرداخت مبلغ!

بعضی از کارفرمایان چند شغل دارند، که هر یکی از جای دیگری درآمدش بیشتر است. کارفرمایان چند

رفته، بحدی که قدرت و اراده خرید از ما کارگران گرفته شده است و امکان مقاومت بیشتر از ما سلب شده است.

ما میدانیم که آمریکای جهان‌خوار و همپالکی‌هایش کشور ما را از تمام جوانب تحریم اقتصادی کرده‌اند. ما میدانیم که دولت بطور مستمر کوشش و فعالیت می‌کند که کمبودهای جامعه را برطرف کند. ما میدانیم که متوسلین استان شب و روز، خصوصاً جناب استاندار برای رفع مشکلات مردم زحمت میکشند...

اما... آیا شما میدانید که ما کارگرانی داریم که ۳۰ الی ۴۰ سال کار کرده‌اند، ولی هنوز خانه ندارند؟ کارگران ما به روزی ۱۰۰ تومان حقوق و ۱۱ سرعائله چکونه می‌توانند با کوشش ۴۰۰ ریال خرج روزانه خود را تأمین کنند؟ کارگران هنوز بیمه نشده‌اند، حق

هیئت‌مدیره سندیکای کارکنان داروخانه‌ها و موسسات دارویی مشهد، با ارسال نامه‌ای به استاندار خراسان، ضمن اعلام مواضع خود نسبت به جمهوری اسلامی ایران و طرح مشکلات کارگران، از مقامات مسئول درخواست رسیدگی فوری کرده است. از آنجا که مسایل بطور حاد در کل با خواسته‌های طبقه کارگر ایران انطباق دارد و «زبان‌حال» همه کارگران است، ذیلاً قسمتی از این نامه درج می‌شود:

... ما کارگران زحمتکش داروخانه‌ها و دارویی مشهد همواره در مسیر انقلاب و در خط‌های عظیم انسان‌حضرت امام خمینی قرار داشته‌ایم. سعی بر آن داشتیم که روز و شب‌مان را در راه اهداف و پیشبرد انقلاب بکار ببریم و تک‌سازیم خدمت‌های بی‌دستاوردهای انقلاب وارد شود، اما خود شاهد برآیدیم که در روز پروژ قیمت‌ها با سرعت سرسام‌آوری بالا

تأمین کار برای کارگران پیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

صحنه‌هایی از مبارزات دهقانان آذربایجان

حقوق طلبی و مبارزه دهقانان زحمتکش آذربایجان به شکلهای گوناگون برای رسیدن به مطالبات حقه آنها ادامه دارد. با چند خبر کوتاه زیر، با برخی از این شکلهای مبارزه و خواسته‌های روستائیان آذربایجان آشنا می‌شوید:

روستای مینا آباد از دهستان ویلیج در بخش نرسین اردبیل در حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد. خواسته‌های این روستائیان برای برق، آب، جاده، مدرسه، راه‌آهنی و شرکت تعاونی، به صورت اعتراض نامه‌ای بمقامات دولتی تسلیم شده است. در این روستا هم‌اکنون وجود دارد که دست به تفرقه و جدایی بین دهقانان می‌زند. در این اعتراض دسته‌جمعی تمام گروه‌های دهقانی، از خوش‌نشینان تا دهقانان مرفه، شرکت داشته‌اند.

روستای باستان از

دهستان ایرغان در حومه شهرستان سراب (با حدود ۱۰۰۰ نفر جمعیت) از آب و لوله کشی، برق، مدرسه، راه‌آهنی و فرودگاه تعاونی بی بهره بوده‌اند. اخیراً آنها برای قبولانیدن خواسته‌های خود دست به راهپیمایی زدند. شرکت کنندگان در تظاهرات، که از کشاورزان کم زمین بودند، برای تعمیر چشمه‌های سابقه، که یکی از آنها هم در زمینهای خانه‌های ده‌نقو کرده و باعث ناراحتی اهالی می‌شود، از دولت تقاضای کمک کرده‌اند. ولی تاکنون هیچ اقدامی از طرف مقامات مسئول نشده است.

در روستای مسجد محله

از دهستان پله و واقع در شهرستان اردبیل، خواست دهقانان ایجاد درماتگاه، راه، حمام، مدرسه راه‌آهنی، آب، برق، زمین، بندو تراکتور است. در یک راهپیمایی، دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و تا خواسته‌های خود را بیان کنند. در این تظاهرات دهقانان شمارهای علیه امپریالیسم جهش‌نورد و امریکا و شیعیانی از رهبر انقلاب،



دهکده ساخولی - تبریز یک عمر کار روی زمین، زمینی که باید بالاخره مال خود دهقانان باشد.

امام خمینی می‌دانند. برای انجام خواسته‌های دهقانان این روستا نیز هنوز هیچ اقدامی نشده است.

روستای عهید آباد در حومه شهرستان آبهه قرار دارد (جمعیت حدود ۴۰۰۰ نفر). شخصی که حدود ۲۵ سال پیش به این ده آمده و تا به حال با همکاری زاندارها، تا آنجا که توانسته به اهالی زور گفته و خرمتهای آنها را تصرف کرده، اخیراً خاکستری‌هایی را که بکار آجرسازی میرفته، تصرف کرده است. اهالی در نظر داشته‌اند آنرا به آجرسازی تا کستان بفروشند. دهقانان نخست شکایت کردند، ولی سهل‌انگاریهای زاندارمیری در رسیدگی به شکایت اهالی منجر به درگیری‌هایی بین اهالی و شخص فاسد گردیده است. همچنین دهقانان برای احقاق حقوق خود علیه شمس متجاوز دست به تظاهرات در سطح روستا زدند.

روستای یونجه‌سو در

دهستان ویلیج از بخش نرسین شهرستان اردبیل مدتی است که شاهد تظاهرات و اعتراضات دسته‌جمعی است. اهالی این روستا از عدم وجود درماتگاه برق و آب و جاده ماشین‌رو در منطقه هستند و همچنین برای ساختمان نا تمام مدرسه دیک شکوایه دست‌جمعی تنظیم کردند و به مقامات مسئول ارائه دادند. با کسرتن اعتراضات دهقانان دست به راهپیمایی نیز زدند. شرکت کنندگان در تظاهرات، که اکثر آنرا کشاورزان تهیدست و خرده‌پا بودند، علاوه بر شرکت در تظاهراتی که برای زمین و مسائل کشاورزی (آب، کود، بندو، تراکتور) برگزار کردند، یکبار تیزیک راهپیمایی ضد امپریالیستی برگزار کردند.

گذری به روستا

در انتظار بهروزی

روستای جمال‌آباد در ۱۰۰ کیلومتری شمال شرقی تبریز واقع است. این روستا تابع بخش سربان است و در ۲۰ کیلومتری آن قرار دارد. جمعیت این روستا ۳۰۰ خانوار است که حدود ۳۰ تا ۴۰ خانوار به زمین و اکثر اهالی کم زمین‌اند. بیشتر اهالی این روستا به کار کشاورزی، دامپروری و قالی‌بافی مشغول هستند. آب زروغ آن را رودخانه‌ای که از کنار روستا میگذرد، تامین میکند که با آغاز تابستان خشک میشود و از آن پس بی‌آبی گریبانگیر کشاورزان میگردد، نکته قابل توجه اینست که با ایجاد سد بر روی این رودخانه، نه تنها آب جمال‌آباد، بلکه تمامی منطقه تامین میگردد. کشاورزان بر زمین روستا زمین‌زوری را در ازاء پرداخت

یک چهارم محصول و یا مقدار معینی پول از می‌کنند. در نتیجه وضع نابسامان کشاورزی فقر از روستائیان مجبور شده‌اند که به امید دست‌های ساختمانی و غیره روستا را ترک کنند. جمال‌آباد محیط مساعدی جهت توسعه اما به علت عدم توجه مسئولین، فقدان دامپزشک روستائیان، این رشته از فعالیت‌های روستا رونق کار قالیبافی زنان و کودکان بسیار ملاحظه فرمایند و آنان روزانه حدود ۳۰ تومان است. روستائیان با فقدان امکانات درمانی و بی هستند. درمانگاه جمال‌آباد از وجود پزشک بی بهره در صورت بیماری بناچار به بیمارستان شیر و سربان، که آن نیز با مشکل کمبود پزشک و مراجعه می‌کنند. در این روستا، همچون سایر روستاهای منطقه آب لوله‌کشی و غیره وجود ندارد. جمال‌آباد را بخش سربان متصل میکند، که بهنگام ریزش و است. چهره جمال‌آباد فقر آلود است. کمبودها

هر چه زودتر باید قانون

در روستاهای آذربایجان نیز عمده‌ترین مسئله، مسئله زمین است. فوری‌ترین کاری که باید صورت‌گیری، انقاي کامل و بی‌خنده بزرگ مالکی است. قانون اصلاحات ارضی راه را باز کرده باید بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمینی، بطور همه جانبه و قاطع، هر چه زودتر و کامل‌تر آنرا عملی ساخت. اخباری که در این ستون می‌خوانید، نمونه‌هایی از حدت و اهمیت این مسئله است:

یک پیروزی در حسنجان

روستای حسنجان قورخود یکی از روستاهای سراب در استان آذربایجان شرقی است. جمعیت این روستا ۵۰۰ نفر است. روستائیان در این روستا با مشکلات و مسائل عدیده‌ای روبرو هستند، که مهمترین آن زمین است. بدین لحاظ اهالی، در دیماه ۵۸، جهت احقاق حق خویش شکایتنامه دستجمعی علیه مالکین روستا تنظیم و به مقامات مسئول ارائه کردند. در پی این اقدام، آنان موفق به گرفتن مراتع خود شدند. شرکت کنندگان در این اقدام موفقیت‌آمیز، بطور عمده دهقانان تهیدست بر زمین و کم‌زمین بودند. دیگر خواسته‌های بحق این روستائیان زحمتکش بقرار زیرین است:

- ۱- تقسیم زمین، ۲- آب آشامیدنی و آبیاری، ۳- درماتگاه و برق، ۴- ماشینهای کشاورزی، ۵- ایجاد سد جهت آبیاری.

کشاورزان ایلخچی خواستار زمین هستند

ایلخچی یکی از بخشهای بزرگ تبریز است و در ۳۰ کیلومتری آن واقع شده. اکثریت اهالی آن را کشاورزان تشکیل میدهند. عمده محصولات این بخش گندم و پیاز است. چون اکثر کشاورزان این منطقه کم‌زمین و بی‌زمین هستند، ناچارند زمین مالک را کشت کنند. شمن کشاورزان مؤظفند تمام هزینه‌ها از جمله: خرید بندو، مزد کارگر، کودشیمیایی، مخارج آبیاری و غیره را متحمل شوند و دست آخر هنگام برداشت ۱/۳ از محصول پیاز و ۱/۴ از گندم را مالک برای خود برمی‌دارد.

تقسیم اراضی میان کشاورزان، که صاحبان اصلی زمین‌ها هستند و کوتاه کردن دست بزرگسالگان از روستاها، منطبق با روح انقلاب و خواست کشاورزان، پیمانان است. به این خواست باید پاسخ مثبت داد.

مسائل روستای سترلی

روستای سترلی با ۱۲۰ خانوار و ۸۰۰ نفر جمعیت در ۱۳ کیلومتری خسروشهر قرار دارد. برادرشاه مخلوط بخشی از زمین‌های ده را به تصرف درآورده بود، که اینک دهقانان منتظرند تقسیم ضروری در این مورد اتخاذ شود. این ده فاقد هرگونه مرکز بهداشتی است. تاکنون پای هیچ پزشک و یا پزشک‌بازی به این روستا نرسیده و اهالی برای اینکه بیمار خود را به پزشک برسانند، ناچارند به خسروشهر بروند. برای برق‌کشی در روستا، به همت اهالی ۱۰ هزار تومان توسط شورای روستا جمع‌آوری شده، ولی با این که کمکهای بسیاری از طرف جهاد سازندگی صورت گرفت، به علت وضع نابسامان مادی روستائیان، متأسفانه هنوز نتوانستند در برق‌کشی روستا موفق شوند. به همت خود روستائیان در روستا یک حمام ۴ دوشه ساخته شده، که به علت نبودن آب، بدون استفاده مانده است. از طرف دیگر، خراب‌شدن موتور آب، که ناآرامی‌های آب آشامیدنی روستا را تامین می‌کرد، حدود ۲ ماه است که روستائیان بدون آب هستند.

وضع اقتصادی روستائیان نیز اسفناک است. از میزان محصولات روستا هر سال به‌علل گوناگون، از آفات کشاورزی گرفته تا نبودن کود و غیره کاسته میشود. روستائیان از مزایای دامپزشکی بی‌بهره‌اند

و در بیشتر اوقات به علت نبودن دامپزشک تلف می‌شوند. قالیبافی نیز وجود دارد. قالیبافها وسایلی از تاجرای تبریز می‌گیرند و به کاره قالی را در ازای دستن، اختیار تاجر قرار می‌دهند. خوا، روستائیان در سترلی عبارتست از: ۱- ایجاد راه جهت رفت و آمد به خسروشهر، ۲- تقسیم زمینهای که تو، غلام‌رضا غصب شده، ۳- پرداخت وام کشاورزی به روستائیان، ۴- تامین آب روستا.

با کوتاه کردن دست مالکان و تقسیم اراضی وضع زندگی روستائیان اوشانچی را سامان دهید

روستای جعفرقلی اوشانچی با ۴۴ خانوار و ۳۵۰ نفر جمعیت در کنار رودخانه آراز (ارس) واقع شده است. عمده محصولات این روستا گندم، جو، پنبه، لوبیا و صیفی‌کاری است. بخش اعظم این روستا را دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین تشکیل می‌دهند و این در حالی است که ۳ نفر از اهالی بیشترین زمین‌ها را در اختیار دارند. شورای ده، که دو ماه قبل به همت روستائیان بوجود آمده، طی شکایت نامه‌ای به سپاه پاسداران مستقر در اسکلو، خواستار تقسیم اراضی میان کشاورزان گردید. این خواست بحق، مالکان را بر آن داشت که دهقانان پیشقدم در این امر را به پادکک بکشند. در حال حاضر مسئله زمین همچنان مسکوت و لاینحل مانده است، در حالی که قانون مربوطه تدوین و تصویب شده و قاعدتاً لازم است هر چه قاطع‌تر و سریع‌تر به مرحله عمل درآید. انقلاب ایران نمیتواند قبول کند که هنوز هم ارباب فارتکر بخود اجازه دهد دهقانان حق طلب را به پادکک بکشند. در این روستا به جز یک مدرسه ابتدایی ۴

در دهات شهر ستار

در سه کیلومتری این روستا، رودخانه آرس با آب فراوان است. روستائیان از دولت می‌خواهند که مسئولین حداقل با این آب به روستا، آتان را از این مشکل برهانند. شرایط نابسامانی تاکنون جوانان روستایی را وادار به مهاجر کرده است. با حداقل توجه میتوان سه مشکل آب، جاده و بهداشت حل کرد و نمرات انقلاب را مستقیماً به دهقانان نشان داد.

مردن یا زنده ماندن در این روستا شانس

روستای (قره‌چی‌لر) با ۲۵۰ نفر جمعیت ندرته‌ای از روستاهای فقیر است. اهالی این روستا از کوچکترین رفاهی از دوا و دکتر گرفته تا راه و شرکت تعاونی و غیره، اهالی تاکنون چندین بار خواسته‌هایشان را با مقامات مسئول گذاشته‌اند، ولی تاکنون هیچ‌چیزی دریافت نداشتند. اهالی این حتی برای خرید جای و قند ناچارند به شهر بروند. امراض مختلف امراض کودکان، در این روستا شیوع دارد و آنجا که دستیار و درمان کار مشکلی است، مردن و یا زنده ماندنشان شانس است. کودکان این روستا ناچارند با ترس و لرز از ترور بخش درس بخوانند. اهالی این روستا که تپشان برای انقلاب

- محرومیت و عقب ماندگی ارث گذشته
- انقاي بزرگ مالکی، خدمت بانقلاب و امید برای آینده

پنج خبر زیر شمارا با چهار روستای اهر آشنا میکند:

فقر جوانان ما را فراری کرده است

روستای اشتیمن با ۲۵۰ خانوار و بیش از ۱۰۰۰ نفر جمعیت از روستاهای عقب‌مانده و محروم اهر است. روستایی این ده محروم از همه چیز است، از دوا و دکتر گرفته تا آب زمزمی و برق و راه و آب آشامیدنی.

تاکنون بارها اتفاق افتاده که بیماران به علت نرسیدن به دکتر در این راه از دست رفته‌اند.

محصول عمده روستا (گلشسته از آمداری) میوه است، که آنگاه به علت بدی راه، همیشه امکان مرشد در بازار نیست و در نتیجه اغلب از بین میرود.

دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین! با تشکیل کمیته به مسئولان



دهقانزاده‌ها، در کنار تپالهائی که برای سوخت زمستانی آماده میشود. (دهکده چرورد - آذرشهر)

اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب را دارند. خواستهایشان متعدد است و همگی بحق، از جمله:

- اجرای صحیح قانون اصلاحات ارضی،
- تامین آب مزروعی از طریق حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق و یا ایجاد سد بر روی رودخانه‌های که از جوار روستا میگذرد و نیز لایروبی و مرمت قناتهای مخروبه روستا،
- کمک به امر دامداری از طریق دادن وام به روستائیان و نیز اعزام رامپزشک،
- لغو کلیه پدیدههای روستائیان،
- کوتاه کردن دست واسطه‌ها و دلالان و رباخواران،
- کمک به ایجاد ساختمان مدرسه راهشانی و تاسیس مدرسه جهت آموزش دختران،
- رسیدگی به وضع بهداشت، درمان، برق، حمام و آب آشامیدنی روستا.

جمال آبادیبا زحمتکشاند و از انقلاب و دولت انقلاب انتظار بهبود وضع خود را دارند. آنها میخواهند که حقوقشان برسمیت شناخته شود و خوشی و بهروزی را، در جامعه‌ای که برای آن کار میکنند، بچشم ببینند.

همچا دید و آرا حس کرده، میخواهیم بدانیم این کمبود در زندگی اهالی چگونه انعکاس یافته است. با چند روستائی به گفتگو می‌نشینیم:

اکبر سعادت یکر از اهالی وضع خویش را چنین بیان میکند: «۵۴ ساله هستم و چهار بچه دارم. ۲۷ سال است که به کار چوپانی مشغولم و ۹ ماه از سال را با گوسفندان در صحرا می‌گذرانم. در زندگی هیچ ندارم، بطوریکه زن و بچه‌ام بکار قالیبافی مشغول هستند و همه بچه‌هایم هم یسواد هستند.»

قره شکیبایی یکی دیگر از اهالی میگوید: «زمین ندارم. از کودکی چوپانی میکردم و همیشه فقیر بودم. باوجود اینکه شب و روز بهراهی زن و بچه‌ام کار می‌کنیم، نمیتوانیم مخارج زندگی خود را تامین کنیم. این درد و رنج را در روزنامه‌ها می‌بینیم، تا تمام اهالی مملکت بدانند که چه مصیبتیانی می‌کشیم. به انقلاب امیدواریم و از آن انتظار داریم.»

محمدباقر بیرمردی که عمری را برای دیگران کار کرده و یک چشمش بوسیله مزدوران شاه کور شده، حتی زیرانداز ندارد. یک لحاف پاره و یک کتری کل دارائی اوست.

از خواستهایشان می‌رسیم: همگی آرزوی اجرای قانون

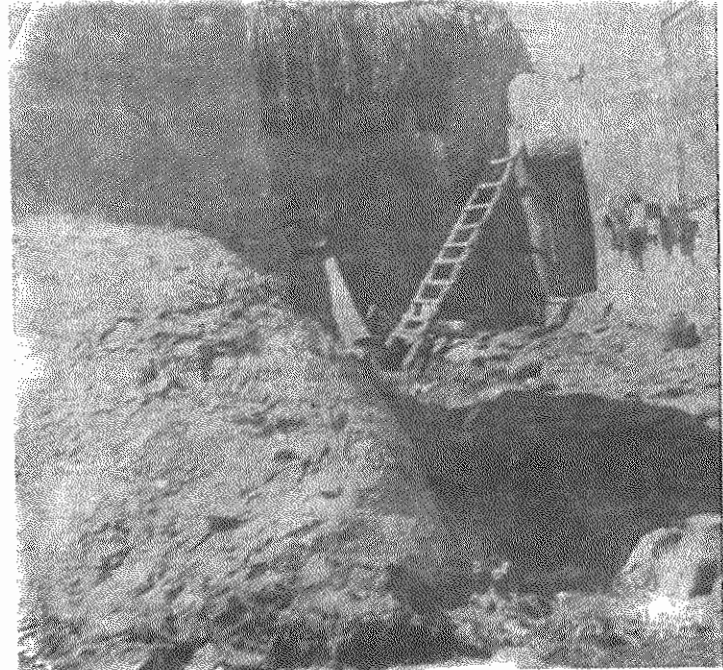
اصلاحات ارضی اجرا شود

زمین از آن زحمتکش روستائی است

در تاریخ ۳۳/۰۹ روستائیان هقان در جلو مقر سپاه پاسداران جمع شدند و خواستار رسیدگی به شکایاتشان گردیدند. شخصی بنام محمدصوفی، که قبلاً محضردار بوده، از دهقانان شکایت کرده و با ارائه یک سند قلابی می‌خواست زمینها را از دهقانان بگیرد. ولی دهقانان با نشان دادن سند معتبر، توطئه شخص مذکور را نقش بر آب کردند. در ضمن اهالی ۴ روستای دیگر نیز از این روستائیان حمایت کردند. دهقانیکه در آنجا تجمع کرده بودند، گفتند که:

۴۰ ماه است گرفتار این شکایت هستیم و متأسفانه تاکنون سپاه پاسداران و کمیته‌ها هم از ما حمایت نمی‌کنند.»

دهقانان بجلوی مقر سپاه پاسداران رفتند، زیرا اکثر تپاهای انقلابی، نظیر سپاه پاسداران، در بسیاری نقاط در خدمت زحمتکش روستائی قرار گرفته‌اند و سیاست خود را منطبق با روح انقلاب و خواست زحمت کشان تعیین می‌کنند. دهقانانی که از دستگاه طاغوتی گذشته به جان آمده‌اند، روی روی نهادهای انقلابی می‌آوردند. شایسته این نهادهاست که در خدمت زحمتکش روستائی قرار گیرند و به امید آنها پاسخ مناسب دهند.



نمونه‌ای از هزاران دهکده‌ای که منتظر عمران و نوسازی است (دهکده خانگاه بالا - اردبیل)

مسائل دهقانی

روستای عسل بگلو در ۱۸ کیلومتری شمال شرقی ارومیه قرار دارد، که ازجمله اصلی تاروستا ۵ کیلومتر راه است. ۸ خانوار در این روستا، بر زمین و کم زمین هستند و ۴۰ خانوار از زندگی متوسطی برخوردارند. عمده محصولات این روستا چغندر قند، گندم و سیب زمینی است که دهقانان چغندر قند راه کارخانه قند ارومیه می‌فروشند.

طبق قرارداد متعده بین کارخانه و کشاورزان، کارخانه به حسب میزان کشت مورد احتیاج خود، تخم چغندر و کود شیمیائی دهقانان میدهد و هنگام برداشت محصول، کارشناسان مقدار شیره را درجه بندی می‌کنند، بیشتر زمینهای این روستا در اختیار ۵ نفر از مالکان است، که از کشت زمینها توسط کشاورزان خودداری می‌کنند. یک حلقه چاه عمیق و چند دستگاه موتور آب متعلق به همین مالکان است، که بابت هر ساعت ۲۵۰ تا ۳۰۰ ریال از کشاورزان اجاره بها می‌گیرند. ۲ حلقه چاه دیگر این روستا هنگام تابستان بکلی خشک می‌شوند. پس از انقلاب، روستائیان با فروختن دامها و گرفتن قرض از این و آن مقداری پول جمع آوری کردند، ولی پس از حفر چند حلقه چاه، در حال حاضر سپاه پاسداران به کشاورزان کمک بسیار کرده و در باره حفر چاه به روستائیان قول مساعدت داده است.

این روستا فاقد هر گونه وسایل بهداشتی و رفاهی است. ما از مسئولین می‌خواهیم که هر چه زودتر وقایع قانون اصلاحات ارضی را بسود دهقانان تهدید است به اجرا گذارند و به زندگی رفاهی کشاورزان نیز رسوا مان بکشند. اگر وسایل مورد نیاز دهقانان در اختیارشان قرار گیرد، بی شک با دلگرمی بیشتری در راه آبادانی مملکت و حفظ آن در برابر توطئه‌های امپریالیسم امریکا خواهند کوشید.

روستای عسل بگلو یکی دیگر از مظاهر «تمدن بزرگ آریامهری»!

ترشدهای اربابی

مالک بزرگ ده گمیچی (واقع در شبستی) زمینهای دهقانان را با زور غصب کرده است. این مالک بعد از تصویب قانون واگذاری، زمین به دهقانان تهر دست، اقدام به فروش زمینهای غصب شده به همان کشاورزان کرده است که سالها بر روی این زمینها کار کرده‌اند. این مالک برای فروش زمینهای غصب شده قیمت گزافی از دهقانان دریافت می‌کند.

مدیر مدرسه روستای حمام گمیچی بر روی یک تابلو، که روی دیوار مدرسه نصب گردیده، این جمله را نوشته است: بحث سیاسی در محیط دبستان اکیداً ممنوع است. جالب توجه اینکه ارباب ده از این مدیره شدیداً حمایت می‌کند.

بهداشت، درمان، تاکنون دهقانان این روستا برای حل مشکلات خود دیوار اقدام به اعتراض و شکایت کرده‌اند، ولی تاکنون به نتیجه نرسیده‌اند. به نظر می‌رسد به کمک هیئتی دولت و با احدث چاه عمیق برای روستائیان که زمین و بزمین و زیر کشت بردن زمینهای بایر، با برنامه ریزیهای منطقی و مشخص برای اداره کردن این زمینها بطور تعاونی و دسته جمعی، یکی از مشکلات اساسی و مهم این روستا قابل حل است.

در ضمن دولت می‌تواند با هیئتی و کمک به شرکتی تعاونی واقعی در این گونه روستاها، اقدام به تاسیس کارخانجات کوچک برای جذب نیروی کار کنند.

روستای اسفستان را دریابید

روستای اسفستان واقع در سراب، آذربایجان شرقی، دارای جمعیتی حدود ۱۵۰۰ نفر است. این روستا مانند دیگر روستاهای بیابان، کمبود و مشکلات زیادی دارد، که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- دهقانان بی زمین و کم زمین خواستار کشت زمینهای بایر یا در صورت امکان ایجاد کار برای این روستائیان هستند.
- ۲- احدث چاه عمیق برای آبیاری زمینهای بایر قابل کشت.
- ۳- تهیه کود و بذر برای تمامی روستائیان (چون فقط به عمده معدودی می‌رسد)
- ۴- لوله کشی آب آشامیدنی و حمام.



هنگام درس خواندن این دهقانزاده آذربایجانی است، ولی بناچار چوپانی میکند (روستای حکیم قناتلی)

آهر چه می گذرد؟

از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهند هر چه زودتر به خواستهای بحقشان رسیدگی شود.

تقسیم زمین‌ها خواست اساسی روستائیان آذغان است

روستای آذغان در ۲۰ کیلومتری شهرستان آهر و در شمال شرقی آن قرار دارد. در این روستا ۲۵۰ خانوار بی زمین و ۳۰ خانوار کم زمین زندگی میکنند. معضل اساسی این روستا نبودن زمین برای کشت است، که این امر باعث مهاجرت بسیاری از روستائیان جهت کار مزدوری در شهرهای اطراف از جمله تبریز و آهر گشته است. کمبود آب یکی دیگر از مشکلات آذغان است. آب مصرفی این روستا از رودخانه آذغان، که از کوههای شیور و آهر سرچشمه میگیرد، تامین می‌گردد. این رودخانه هشت ماه در سال پر آب است و ولی هنگام فصل کشت و برداشت (بهار و تابستان) به یکباره کم آب و یا بکلی خشک میشود. اهالی روستا در زمان رژیم شاه مخلوق تقاضای ایجاد سد کرده بودند که طبق ماهیت طاغوتی رژیم، درخواستشان عملی نگردید، اما از مسئولین دولت انقلاب انتظار دارند که به درخواستهایشان جامه عمل بپوشانند و جهت ساختن سدی بر روی این رودخانه، که بکفته کشاورزان میتواند ۱۵ روستای اطراف و از جمله قرانقرس، کرد احمد، زنگنه، باد و دیگر بخشها را از لحاظ آبیاری بیش از سازه اقدام کنند.

ما بارها متذکر شده‌ایم که زمین را باید به صاحبان واقعی آنان، یعنی کشاورزان زحمتکش داد. اجرای دقیق و بدون تحریف قانون اصلاحات ارضی و همگام با آن، عملی ساختن خواستهای رفاهی دهقانان و تدوین برنامه فوری و عملی برای رفع نیازهای بسیار حیاتی، نظیر ایجاد سد مزبور، میتواند حادثه‌ترین خواستهای دهقانان را برآورده سازد.

روستائیان حیدرگانلو از کمبود زمین رنج می‌برند

روستای حیدرگانلو از توابع شهرستان آهر است. کمبود زمین در حیدرگانلو بعدی است که چند خانوار حتی یک وجب زمین ندارند. اصلاحات ارضی شاهانه فقط عده کمی را در بر گرفته است و هنوز هم از اصلاحات ارضی واقعی خبری نیست.

بگفته روستائیان، اشخاص هم اکنون در امور روستا کارشکنی‌هایی می‌کنند. مبارزه با یکی در این روستا قبلاً علیه زمینداران بزرگ جریان داشت، اکنون هم ادامه دارد. مالک بزرگ مالکان تحریک می‌کند و در صورت عدم توجه مسئولین امر در جهت قطع چاقوگرهای ثروتمندان، امکان برخوردی شدید در این روستا هست.

روستا فاقد بسیاری از امکانات رفاهی است و مهاجرت روستائیان بویژه در بین نسل جوان پله بزرگی شده است. اگر بویچه و دامپزشک و داروهای دامی تامین نشود، این ناحیه از تقاضا مساعد برای دامپروری است.

قابل توجه رفقا و دوستان گوارشگر نامه «مردم»

تقاضا می‌کنیم برای تهیه عکس از محیطهای روستائی، حتی الامکان از حلقه‌های فیلم ۱۲ تایی استفاده کنند و یا تعداد عکسهای استفاده شده را در هر فیلم ذکر کنند، تا بدین طریق خود فیلم که اغلب بیش از نیمی از آن مورد استفاده قرار نگیرد، قتل چاند عکس هد نرود و از هزینه ظهور عکس کاسته شود. اگر امکان دارید عکس بفرستید، که آسانتر است.

قانون اصلاحات ارضی را بمنظور ریشه کن کردن بزرگ مالکان، هر چه زودتر و قبل از اینکه توطئه و تحریک زمینداران غارتگر به نتیجه برسد، باید در این مناطق اجرا کرد.

کشت هر دانه گندم بمنزله گلوله‌ای است بر قلب آمریکا

روستای زندآباد در ۴۰ کیلومتری شمال غرب آهر قرار دارد. اهالی این روستا حدود ۳۰۰ خانوار است که بیشتر به امر کشاورزی و دامداری مشغولند، محصول عمده روستا گندم و جو است، که به علت عدم امکانات و کار با وسایل اولیه و دستمزد کم محصول از کمیت عالی برخوردار نیست.

«اما از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم برایمان ماشین و وسایل مورد نیاز برداشت محصول تهیه کنند تا در این موقع حساس انقلاب، که کشت هر دانه گندم بمنزله گلوله‌ای است بر قلب آمریکا، امریکا و با کاشت بیشتر شرکت‌های دولتی در پیروزی انقلاب داشته باشیم.» اهالی در عین حال می‌خواهند که به وضع بهداشت، درمان و آب لوله کشی جهت آشنامدن روستائیان رسیدگی فوری شود. لازم به ذکر است که سال گذشته به کمک جهاد سازندگی در روستا مدرسه‌ای تاسیس شده و همچنین جاده روستا به آهر بوسیله آنها شن بریزی شده است. سخن این دهقانان نمونه‌ای از عشق آنان به انقلاب و هم چنین انتظارات آنها از دستاوردهای انقلاب است. به خواست آنها رسیدگی کنید. این دهقانان با جان و مال و کار خود در خدمت انقلابند.

اهای خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، لتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سریعاً و بسود شما اجرا شود

گفتاری کوتاه درباره انتقاد و انتقاد از خود

عمل مبارزان دیگر را در سخن دقیق و عادلانه خود بدرستی منعکس کنیم و بازتاب خود را در ارزیابی دیگران با خونسردی و توجه بگیریم!

برخی دوستان مایلند درباره شیوه درست انتقاد و انتقاد از خود مطالبی در روزنامه حزبی مورد اعتمادشان بخواهند. شایان یادآوری است که برای مباحث حزبی و سازمانی (که تعداد آنها بسیار است) ضرور است که جزوهها و کتابهایی نشر یابد و مسائل مهمی مانند مرکزیت دمکراتیک، رهبری جمعی و مسئولیت فردی، شیوه کار ارگانهای سازمانی، وظایف و حقوق فرد حزبی، سبک عمل یک مبارز انقلابی و امثال آن، به تفصیل طی این نوشتهها مورد بحث قرار گیرد. انتقاد و انتقاد از خود نیز از این مباحث است. ولی ما در اینجا میکوشیم، به پذیره خواهش دوستان، برخی نکات اساسی را درباره آن یادآور شویم و امید است که درباره مباحث مهم دیگر زندگی حزبی و سازمانی، چنانکه آرزو کردیم، نشریاتی در دسترس طالبان فراوان آن قرار گیرد و مبارزان انقلابی دقیقاً از تجارب غنی جنبش کمونیستی و کارگری جهانی در این زمینهها فیض گیرند. انتقاد و انتقاد از خود (یا سنجش و خودسنجی) اسلوب اساسی برای بر ملا کردن معایب و اشتباهات و نقایص در فعالیت حزب انقلابی و دیگر سازمانهای زحمتکشان، و نیز غلبه بر آنها و رفع آنهاست. یکم این اسلوب، هوانع حرکت به پیش و عناصر کهنه و زوال یافته و زبان بخش شناخته، افشاء و برطرف می گردد و عناصر نو، مترقی و ابتکارات سودمند، تشویق و وارد عرصه عمل می شود.

انتقاد در یک سازمان از پائین و از بالا، نسبت به خود و نسبت به دیگران انجام می گیرد. همه این جهات چهارگانه انتقاد ضرور است و الا جامعیت و ثمربخشی و دمکراتیسم خود را از دست میدهد. نفع کامل سازمانی و نفع تکامل ایدئولوژیک، هیچکدام بدون افزار نیرومند اسلوب انتقادی ممکن نیست. بدون این اسلوب رکود و گندیدگی پدید می آید. اما کاملاً روشن است که تنها آن انتقادی میتواند نقش واقعی خود را انجام دهد که انتقاد سازنده، یعنی، مبتنی برورسی فاکتها (واقعیات - رویدادها) باشد و با شیوه مستدل و مستند و با لحن رفیقانه و با نزاکت و به قصد بهسازی و آفرینندگی ادا شود. انتقاد در یک سازمان حق همکارانها (واحدهای سازمانی) و حق همه افران حزبی است.

وقتی ارزیابی از جانب یک ارگان یا فرد نسبت به فعالیت خود انجام گیرد، انتقاد از خود یا خودسنجی نام دارد. انتقاد از جانب یک ارگان یا فرد زمانی موثر است که آن ارگان یا فرد در انتقاد از خود نیز صراحت و صداقت نشان دهد، و نشان دهد که نه فقط میتواند یاد بدهد، بلکه میتواند یاد بگیرد. کور عیب خود و بینی عیب دیگران نیست. انتقاد اگر بصورت ایرادگیری، غرضورزی، بی ادبی، ویرانگری، رسواسازی درآید، عملی است مخرب و به وحدت و تکامل سازمان زیان میرساند. انتقاد از خود اگر بصورت خودکوپی و اعتراف عاجزانه درآید کارمایه حیاتی را متوقف میکند و مضر است. در مقابل انتقاد، اگر بی تابیی و بی انصافی نشان دهیم، فرهنگ حزبی درستی از خود نشان نداده ایم. لذا اگر انتقاد و انتقاد از خود، اسلوب اساسی در رفع نقایص سازمانی

است، اسلوب این اسلوب نیز دارای اهمیت انکارناپذیری است. انتقاد و انتقاد از خود با اسلوب درست، لازم است. انتقاد و انتقاد از خود با اسلوب ناسالم، لازم نیست و عدهش به ز وجود. آن دیگر انتقاد و انتقاد از خود نیست، بلکه کاری است ویران ساز و زیان بخش. ما باید بپاهوزیم که با صراحت لهجه، بی غرضانه و بدون خاصه خرجی انتقاد کنیم. باید بپاهوزیم که انتقاد ما مشخص و ملموس، مستند و معقول، سازنده و یاری رساننده باشد. باید بپاهوزیم که رفیقانه ترین و هودب ترین لحن را در جدی ترین انتقاد مراعات کنیم.

صراحت و صداقت: آری! خشونت و بی نزاکتی: نه! ما باید بپاهوزیم که انتقاد نسبت به خود را از سوی ارگانهای یافراراد با خونسردی بشنویم، هسته های معقول را (ولو کم باشد) بپذیریم و با تمام نیرو در بازسازی خود بکار بندیم. میگویند: «اگر قرنی هم عمر کنی، قرنی به آهوختن نیاز داری». زندگی انسانها، زندگی جوامع بسیار بغرنج و دائم التعمیر است. کسی که فکر کند همه چیز را میداند و به تذکر احدی نیازمند نیست، باسقیه است یا دچار بیماری خودخواهی و انجماد است. فرد عاقل باید از خروارها «گاه» انتقادات بیجا، چند «دانه زرین» انتقاد بجارا جدا کند. گاه انتقاد کنندگان قادر نیستند نظر خود را بدرستی بیان کنند. کسی که طرف انتقاد است، نباید از «نقاط ضعف» بیانی یا استدلالی انتقاد کننده سوء استفاده کند و دست به سفسطه و خلط مبحث بزند. برعکس، یک انقلابی شکمگ انتقاد کننده خود میستاید. اندیشه معقول را در نزد او حدس میزند و آنرا بدرستی و در چارچوب واقعی بیان میدارد.

ما بعنوان فرد یا ارگان نباید تصور کنیم که اگر فلان انتقاد بجا را پذیرفتیم، از جریره و صلاحیت خود کاسته ایم، یا در مقابل مخالف گردن خم کرده ایم. ایدا! فرد یا ارگان از قبول انتقاد بجا، بر حیثیت و اعتبار معنوی خود می افزاید. در جامعه ما این «خودخواهی» ابتدائی و مبتذل وجود دارد که گویا «شخصیت»، یعنی ادعای آنکه «من همه چیز را میدانم، من همه چیز را میتوانم». چنین ادعائی صاف و ساده احقانه است. داناترین و توانا ترین انسانها پارگانها، بسیار چیزها، حتی بسیار چیزهای عادی و ساده است که نمی دانند و نمیتوانند قبول اینکه «من نمی دانم و یا نمی دانستم، نمی توانم یا نتوانستم»، ایدا و اصلا از شخصیت کسی کم نمیشود. برعکس، شخصیت واقعی در داشتن تصور واقع بینانه از حدود دانش و توان خود است. البته ما باید بکوشیم که مرزهای دانش و توان خود را دورتر ببریم و علم و قدرت خود را افزایش دهیم. ولی اعتراف به ضعف و محدودیت خود و عمل خود در یک عرصه کار، در یک برهه زمانی، اعترافی است علامت تمدن، نشانه شخصیت واقعی.

باید با خودخواهی مبتذل متداول در جامعه ما، که یکی از مظاهر عقب ماندگی عمومی جامعه است، در خود و دیگران مبارزه کرد. این شرط داشتن اسلوب درست در انتقاد و انتقاد از خود است که خود اسلوب اساسی در تمامین تکامل سازمان انقلابی است.

راندگان وسائل نقلیه سنگین:

دست واسطه ها کوتاه!

راندگان وسائل نقلیه سنگین، در سرما و یخبندان زمستان، و در گرمای شدید تابستان، با تحمل خطرات و مشقات، وظایف خطیر و مهم خود را انجام می دهند. متأسفانه این قشر زحمت کش، در گذشته، مورد استعمار شدید کمپانیها و دلان واسطه های داخلی بود، و تمام نتیجه زحمت و کوشش خود را ناگزیر بابت اقساط بدهی وسیله نقلیه یا لاستیک و لوازم یدکی... از دست میداد.

دلان واسطه ها و پیمانکاران داخلی هم با حساب سازی به نحو دیگری راندگان را چابول می کردند. در گذشته، کار حمل و نقل را عدهای سرمایه دار دلال بنام پیمانکار یا تانی و بند و بست یا مسئولان دولتی بخود اختصاص میدادند، و بعد با پرداخت کرایه ناچیزی بار را به راندگان و دارندگان تانک کامیون واگذار می کردند. راندگان اصولاً از قیمت کرایه اطلاع نداشتند، و از طرفی ناگزیر به فرام کردن اقساط بدهی خود بودند. چنین بود که یک راننده زحمتکش، پس از سالها تلاش، جز یک کامیون فرسوده و آبیان از کار افتاده چیزی برایش باقی نمی ماند.

پس از پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران، این وضع ظاهراً تغییر کرده، برایش مراجع و شکایت این راندگان، قرار شد بنادر بار را مستقیماً با کامیون این کامیونداران حمل کنند. ولی متأسفانه از آنجا که دست اندر کاران قبلی هنوز در دستگاهها وجود دارند، باز به بهانه انجام تشریفات، دلان و واسطه ها را بنام پیمانکار یا نرخ معینی انتخاب کردند.

در حال حاضر این واسطه ها از هر کامیون یکبار الی یکبار و بانسد ریال بنام کمیسیون - در واقع باج - می گیرند. راننده پس از رساندن بار به مقصد، ناچار است برای دریافت کرایه دو روز وقت صرف کند، تا سند اداری تنظیم شود و چک بانک دریافت دارد. تازه این در حالی است که ابار یا بانک تعطیل باشد. در حالی که همان دلال یا پیمانکار، که حق کمیسیون می گیرد، لااقل باید نماینده ای در مقصد بگذارد و کرایه راندگان را پس از تخلیه فوری بپردازد و تشریفات اداری را خود انجام دهد تا این سرگرمی راندگان برای دریافت کرایه حل شود.

از طرفی در بنادر، در فصل گرما هیچگونه وسائل رفاهی از قبیل سالن استراحت، غذاخوری و حمام وجود ندارد. راندگان اغلب بدون غذا و استراحت پس می روند. تصادفات شدید چاده ها شاهی بر این مدعی، و نشانه طبیعی این عدم توجه است. در گذشته سندیکای این زحمتکشان درم کوبیده شد و چند نفر دلال و واسطه و گاراز - حار و ساواکی، بنام سندیکاه امور را به دلخواه خود انجام می دادند. در حال حاضر هم پملت سرخوردگی از گذشته نبودن امکانات و... تشکیلاتی که حافظ منافع این طبقه زحمتکش باشد، وجود ندارد.

باید هرچه زودتر برای رفع تلاش مداوم و بسربردن درجاده ها زحمتکش و محروم فکر اساسی این ناپسانامیها اقدام جدی بعمل آید. در اوائل انقلاب، وزارت جمع و به وجود آوردن تشکیلاتی باشند و این کار از جمله باید بازگانی قول هائی داد، ولی هیچگاه همه این موارد نشان میدهد، که واسطه ها از هر رنگ، همراه باشند

درجهان سوسیالیسم

افزایش تولید کشاورزی در اتحاد شوروی

تولید ناویژه کشاورزی در اتحاد شوروی، در سالهای ۱۳۰۷-۵۷، ۳/۴ برابر شده، در حالی که شماره شاغلان کشاورزی در همین مدت ۱/۷ برابر کاهش یافت. جدول زیر میانگین سالانه تولید برخی از فرآورده های کشاورزی این کشور را در دهه های گذشته نشان میدهد.

سال	غلات (میلیون تن)	پنبه (میلیون تن)	گوشت (میلیون تن)	شیر (میلیون تن)	تخم مرغ (هزار میلیون)
۱۳۰۳ - ۰۷	۶۹/۳	۰/۵۸	۴/۲	۲۹/۳	۹/۲
۱۳۱۹ - ۲۳	۷۷/۴	۲/۵۰	۴/۰	۲۶/۵	۹/۶
۱۳۳۵ - ۴۹	۱۶۷/۶	۶/۱۰	۱۱/۶	۸۰/۶	۳۵/۸
۱۳۵۵ - ۵۷	۲۱۸/۹	۸/۵۱	۱۴/۵	۹۳/۰	۶۰/۶

درجهان سرمایه داری

افزایش مالیات بر کارگران در جمهوری فدرال آلمان

در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، افزایش دستمزدها و حقوقها اغلب با افزایش سریع تر قیمت کالاها و خدمات و مالیاتها همراه است.

جدول زیر سهم فزاینده هزینه خدمات اجتماعی و مالیاتهایی را که کارگران جمهوری فدرال آلمان در ازای هرمارک فزون اندوخته، در سالهای گذشته میرسد، نشان میدهد.

سال	هزینه خدمات اجتماعی (درصد)	مالیات بردستزده و مالیات کلیسا (درصد)
۱۳۲۹ - ۳۹	۱۱/۱	۷/۹
۱۳۴۰ - ۴۹	۱۱/۵	۱۵/۹
۱۳۵۰ - ۵۴	۱۵/۱	۲۲/۲
۱۳۵۵ - ۵۹	۱۷/۱	۲۱/۲

این رقمها برای سالهای ۱۳۵۸/۵۹ تخمین زده شده است.

نمایشگاه عکس جنایات امپریالیسم آمریکا در لنگرود



از طرفی اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان لنگرود، نمایشگاه عکسی از جنایات امپریالیسم آمریکا و مبارزات ضد امپریالیست خلقهای جهان در شهرستان لنگرود برگزار شد. این نمایشگاه که مدت چندروز برپا بود، با استقبال اهالی مواجه شد.

«پرسش و پاسخ»

جلسات «پرسش و پاسخ» روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

نامه مردم، از شماره ۱ تا ۱۰۰، برای فروش تک شماره آماده است. بدقیق نامه مردم، مراجعه فرمائید.

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، و همچنین اعضای قدیمی حزب توده ایران که در گذشته بدلیل گوناگون ارتباطشان با حزب قطع شده، می توانند علاوه بر ایام هفته، روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۹ صبح و از ۲ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه

تاکون بملت گرفتاری کاری و باید هرچه زودتر برای این تشر تلاش مداوم و بسربردن درجاده ها زحمتکش و محروم فکر اساسی این ناپسانامیها اقدام جدی بعمل آید. در اوائل انقلاب، وزارت جمع و به وجود آوردن تشکیلاتی باشند و این کار از جمله باید بازگانی قول هائی داد، ولی هیچگاه همه این موارد نشان میدهد، که واسطه ها از هر رنگ، همراه باشند

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

بررسی تحلیلی از نقش دول امپریالیستی و سوسیالیستی در بازرگانی خارجی ایران

اکنون که به برکت پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران، امکان تصمیم گیریهای مستقل در مورد مسائل اساسی اقتصادی، از جمله بازرگانی خارجی ایران بدست آمده، محافل معینی در صدد مغلوبه بر آمده، میکوشند نقش دول امپریالیستی را در زینتهای عظیمی که از راه بازرگانی خارجی به کشور ما زده اند، روپوشی کنند و نقش دول سوسیالیستی را، که همیشه طرفدار روابط برابر حقوق و نفع متقابل در بازرگانی خارجی با ایران بوده اند، ناچیز قلمداد نمایند. هدف این محافل اینست که ایران در دوران پس از انقلاب نیز مانند گذشته در دایره مناسبات بازرگانی خارجی با دول امپریالیستی باقی بماند و از برکت نتایج سودمند و ارزندهای که توسعه روابط بازرگانی ایران با کشورهای سوسیالیستی دارد، محروم نگاهداشته شود. در نتیجه نهائی، هدف ابقاء ایران در عقب ماندگی اقتصادی و تامین منافع دول امپریالیستی، در احیاء اسارت سیاسی و اقتصادی و ممانعت از نیل ایران به استقلال اقتصادی است، که در مرحله کنونی، پس از کسب استقلال سیاسی، مهمترین وظیفه بشمار می رود.

در چنین شرایطی، طبیعی است که پی بردن به زینتهای عظیمی که روابط بازرگانی ایران با دول امپریالیستی به کشور ما وارد آورده و می آورد، و همچنین فوائد مهمی که بر توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با کشورهای سوسیالیستی مترتب است، امری است که دانستن آن برای همه نیروهای انقلابی و علاقمندان به تثبیت پیروزیهای انقلاب و تکمیل استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی بسیار ضروری است. در این نوشته ما با بررسی تحلیلی از وضع بازرگانی خارجی ایران، طی شش دهه اخیر، به خواننده امکان میدهم از زبان آمار و ارقام واقعیت مناسبات بازرگانی کشورهای امپریالیستی و سوسیالیستی را با ایران از نظر بگذرانیم و رأساً در این زمینه صاحب نظر و عقیده بشود.

بازرگانی خارجی ایران طی سالهای ۱۳۲۰-۱۳۲۹

روابط بازرگانی و ناپراب امپریالیستی در بازرگانی خارجی ایران، نه فقط پراز طرف تسلط روسیه تزاری از ایران از بین نرفت و تخفیف پیدا نکرد، بلکه دول امپریالیستی انگلیس، آمریکا، فرانسه و آلمان، با استفاده از خروج روسیه تزاری از بازار ایران، واردات خود را به ایران چند برابر کردند. بازرگانی خارجی ایران پس از آنکه دولت جوان شوروی به روابط ناپراب بازرگانی روسیه تزاری با ایران برای همیشه پایان داد، در دست دول امپریالیستی همچنان بعنوان اهرم عمده دریافت درآمدهای انحصاری، تبدیل ایران به بازار فروش کالا و خرید مواد خام و بالاخره استقرار سلطه خود بر ایران باقی ماند. در این زمینه دول امپریالیستی به رقابت شدیدی پرداختند. در این رقابت ابتدا امپریالیسم انگلیس و سپس در سالهای آخر سلطنت رضاخان، آلمان هیتلری، واضع برتر را در بازرگانی خارجی ایران کسب کردند. روش اصلی دول امپریالیستی در غارت درآمدهای ایران از راه بازرگانی خارجی در این دوره، افزایش واردات بر صادرات، مبادله ناپراب و واردات معاف از گمرک بود، که بطور عمده شرکت غاصب انگلیسی نفت از آن استفاده می کرد.

مثلاً در فاصله سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۹، یعنی در مدت دهم سال، واردات کالا به ایران به مبلغ ۶۷۷۰ میلیون ریال بالغ گردید، حال آنکه صادرات ایران به خارج، بلغی کمتر از ۴۰۳ میلیون ریال بود. در نتیجه ۲۵۶۷ میلیون ریال پول ایران بصورت ارز بابت کسب درآمد در بازرگانی بیرون ایران نصیب دول امپریالیستی گردید. (۱) از مختصات جالب این دوره در بازرگانی خارجی ایران اینست که دول امپریالیستی به هیچوجه حاضر به استقرار روابط برابر بازرگانی با ایران نبودند. این تنها دولت اتحاد شوروی بود که انحصار بازرگانی خارجی ایران را به رسمیت شناخت و در سال ۱۳۰۷ به انعقاد قرارداد بازرگانی با ایران پرداخت. این اولین قرارداد بازرگانی برابر حقوق بود که در دوران تسلط سرمایه داری و امپریالیسم بین ایران و یک دولت بزرگ منعقد می شد. هنگامی که بحران بزرگ اقتصادی ۱۲۹۹ - ۱۹۳۲ دول امپریالیستی را فراگرفت، در نتیجه این قرارداد ایران توانست تا حد موثری از زینتهای آن بحران برکنار بماند. ایران می توانست در جریان بحران بزرگ اقتصادی و سالهای پس از آن، از توسعه روابط بازرگانی با دولت جوان شوروی استفاده های بسیار ببرد. لیکن رضاخان، که دست نشانده امپریالیسم بود، قریباً چنین کاری نداد. او با عناد تمام به بسط روابط اقتصادی و بازرگانی ایران با آلمان هیتلری پرداخت، که صدمات بسیاری از آن عاید ایران گردید. بخصوص برنامه های توسعه اقتصادی ایران، شماره ۱ - مراجعه شود به مجله بانک ملی ایران، شماره ۲۶ - سال ۱۳۳۰

واردات بدون گمرک وسیله دیگر غارت ایران از راه بازرگانی خارجی است که دول امپریالیستی، بویژه امپریالیتهای انگلیس و آمریکا در هفتاد سال گذشته وسیعاً از آن استفاده کرده اند. آسیب این نوع واردات را از آن میتوان فهمید که، مثلاً سهم آن در سال ۱۳۲۹ به قریب ۵۰ درصد مجموع واردات ایران بالغ می گردید. طی ۱۵ سال، از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۹، واردات بدون مسافیت گمرکی ایران ۷ برابر، ولی واردات معاف از گمرک بیش از ۱۲ برابر افزایش یافت.

در پشتمس این واردات، انصارات امپریالیستی نفت، نظیر شرکت غاصب سابق و بعداً کسرسیوم قرار داشتند، که از عوامل عمده نابامانی اقتصاد ملی ایران در هفتاد سال گذشته بشمار میروند. اینکه دول امپریالیستی از راه بازرگانی خارجی چه مبالغی از ثروت ملی کشور ما را تنها در عرض یک سال تصاحب می کردند، از مشاهده ارقام زیر پیداست. طی حسابهای که با استناد به ارقام دقیق بعمل آورده ایم، دول امپریالیستی در سال ۱۳۲۹، مبلغ ۲۰۷۴۹ میلیون ریال از راه کسب موازنه بازرگانی، ۲۰۴۹۷ میلیون ریال از راه مبادله ناپراب و ۷۹ میلیارد ریال از راه معافیت گمرکی صادرات و واردات از ثروت کشور ما را تصاحب کرده اند.

مجموع این ارقام به ۱۳۴۶ میلیون ریال در سال ۱۳۲۹ و به ۳۳ میلیارد ریال در ده سال بعد ۱۳۳۹ بالغ می گردید. در قسمت بعدی خواهیم دید که این رقم در سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۶ به صد ها میلیارد ریال در سال بالغ گردید. ارقامی که در مورد غارت ایران از راه بازرگانی خارجی طی سالهای پس از جنگ دوم جهانی ارائه شد، بدرستی خواننده را متوجه این واقعیت میسازد که، یکی از علل پیدایش و گسترش جنبش ملی شدن نفت، عدم دادن آن بود، بواقع هم همینطور شد. در دوران ملی شدن نفت، در بازرگانی خارجی ایران تحول جدی منتهی به سود اقتصاد ملی صورت گرفت. بازرگانی خارجی ایران، که در سال ۱۳۲۹ مبلغ ۲۷۴۹ میلیون ریال کسب موازنه داشت در سال ۱۳۳۲، ۲۹۹۴ میلیون ریال افزایش موازنه بسود ایران نشان می داد. واردات ایران در سال ۱۳۳۲ به مبلغ ۵۳۲۴ میلیون ریال و صادرات ایران به ۸۳۱۸ میلیون ریال بالغ گردید. (۵)

به تبع از هدفهای جنگی و نظامی آلمان هیتلری، متوقف گردید. باطل عظیمی که می توانست به پیشرفت اقتصادی اختصاص یابد، به اجرای برنامه های نظامی-استراتژیکی فزنیستی تخصیص یافت. با اجرای سیاست امپریالیستی محدود ساختن روابط بازرگانی خارجی ایران با همسایه شمالی در دوران رضاخان، نه فقط مبالغ عظیمی از ثروت ملی ایران غارت شد، بلکه رکود بیسابقه ای دامنگیر استانهای شمال کشور گردید. این استانها می توانستند از راه توسعه مناسبات بازرگانی با اتحاد شوروی به ترقیات وسیعی نائل آیند.

همگان میدانند که اقتصاد استانهای گیلان، آذربایجان، مازندران، گرگان، خراسان در آن سالها به رکود شدید دچار شد و نه فقط به زحمتکشانی، بلکه به اقصای وسیع بازرگانان نیز خسارات جدی وارد آمد. در یک نتیجه گیری کلی از روابط بازرگانی خارجی ایران در سالهای ۱۲۹۹ - ۱۳۲۰، می توان به ساحت گفت که، اگر رژیم دست نشانده رضاخانی به کشور ما تحمیل نمیشد و با جنبشهای ملی و مترقی سالهای قبل از کودتای ننگین ۱۲۹۹، رژیم ملی و مترقی در کشور ما استقرار می یافت، با پیروزیهای انقلاب اکبر و استقرار روابط نوین بازرگانی در جهان، ایران می توانست به ترقیات سریع اقتصادی و اجتماعی نائل آید. لیکن سلطه رژیم رضاخانی سبب شد که اقتصاد کشور ما از معیار بازرگانی خارجی ناپراب و غارتگرانه دول امپریالیستی در عقب ماندگی تثبیت شود و ثروتهای کشور ما غارت گردد.

بازرگانی خارجی ایران طی سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۲

با جنگ دوم جهانی، که دامنه آن به ایران کشانده شد و سقوط دیکتاتوری رضاخان، شرایط دیگری برای روابط بازرگانی ایران با دول خارجی بوجود آمد. در دوران جنگ دوم جهانی، به علت کاهش واردات دول امپریالیستی به ایران، تولید داخلی به شکوفائی نسبی رسید. این امر زمینه مساعدی را برای سرمایه گذاریهای داخلی پس از جنگ فراهم آورد. لیکن هنوز جنگ تمام نشده، دول امپریالیستی آمریکا و انگلیس به صدور مقادیر عظیم کالاهای بنجل خود به ایران اقدام کردند. آنها موفق شدند سرمایه های جمع شده در داخل را در مدت کوتاهی، در ازاء واردات کالاهای مصرفی، از دست مردم ایران خارج سازند، و حتی ایران را بدهکار بازرگانی خود نمایند. طی پنج سال، از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰، حجم بازرگانی خارجی ایران به ۴۲۶۲۳ میلیون ریال بالغ گردید، که ۲۸۹۶۴ میلیون ریال آنرا رقم واردات تشکیل میدهد. سهم کشورهای آمریکا و انگلیس در این واردات ۱۵۵۲۵ میلیون ریال بود، که ۳۷ درصد مجموع واردات ایران را تشکیل می داد. در برابر بیش از ۱۵ میلیارد ریال واردات از آمریکا و انگلیس به ایران، صادرات کشور ما به آن دو کشور مجموعاً کمتر از ۴ میلیارد ریال بود. بیش از ۱۱ میلیارد ریال کسب بازرگانی ایران با آمریکا و انگلیس بصورت پول نقد و ارز از ایران گرفته شد. (۲)

بحران جدی کارخانه های نساجی ایران در سالهای قبل از ملی شدن نفت بخاطر همگان هست. این بحران نتیجه واردات کالاهای نساجی بنجل از آمریکا و انگلیس به ایران، از جمله و بویژه لباسهای کبینه آمریکائی بود، که صنایع نساجی ایران را ورشکست کرد. حال آنکه طبق بررسی مشاورین اولین برنامه هفتساله، ایران امکان داشت صنایع نساجی ماشینی خود را پس از جنگ وسیعاً توسعه دهد و ۶۶۱ هزار دوک ماشینی به تعداد ۲۰۰ هزار دوک ماشینی موجود بیافزاید. این امر نتیجه آن بود که بازرگانی ایران و کشورهای آمریکا و انگلیس در این سالها ۲۷ درصد بزینت ایران کسب موازنه نشان میداد. (۳) تنها از راه کسب موازنه بازرگانی نبود که دول امپریالیستی اقتصاد کشور ما را ضعیف نگاه داشتند و ثروت ملی ما را غارت می کردند. مبادله ناپراب کالا از طرق دیگر بکمال این غارت بود. دول امپریالیستی قیمت کالاهای وارداتی خود به ایران را طی ۲۰ سال از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۵، ۲۵ برابر افزایش دادند، حال آنکه در همین مدت کالاهای خریداری از ایران فقط ۱۱ برابر افزایش یافته بودند. نفت کالای عمده صادراتی ایران از این قاعده مستثنی است، زیرا قیمت آن بطور انحصاری تعیین و در سطح نازل نگاه داشته می شد. (۴)

در این تغییر جدی در وضع بازرگانی خارجی ایران در دوران ملی شدن نفت، سهم اساسی را کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی داشت، که علیرغم محاصره اقتصادی ایران از جانب دول امپریالیستی، به توسعه بازرگانی خود با ایران پرداخت. کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، در دوران ملی شدن نفت، نه فقط به میزان خریدهای خود از ایران افزودند، بلکه آمادگی کاملی برای تامین احتیاجات ایران به واردات کالاهای صنعتی نشان دادند. واقعیت آنکاره نا پذیر توسعه روابط بازرگانی ایران با کشورهای سوسیالیستی در دوران ملی شدن نفت، علیرغم تلاش دول امپریالیستی برای تحریم اقتصادی ایران، بیاترک پشتیبانی کامل و بدون خدشه کشورهای سوسیالیستی از جنبش ملی شدن نفت است، که متأسفانه اکنون محافل معینی سعی در مخوش ساختن آن دارند. از جنبه های اساسی که میتوان برای وضع بازرگانی خارجی ایران، طی سالهای پس از جنگ دوم جهانی تا پایان ملی شدن نفت، مورد توجه قرار داد، ادامه غارت امپریالیستی است، که آمریکا رفته رفته نقش اساسی تری در اعمال و اجرای آن ایفا میکند. از جانب دیگر، در همین دوره، کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، آمادگی بیشتر برای استقرار روابط بازرگانی برابر حقوق با ایران نشان دادند و علاقه مندی را در بهبود وضع بازرگانی خارجی بسود ایران ایفا کردند. تکیه بر روابط بازرگانی برابر حقوق با کشورهای سوسیالیستی یکی از تکیه گاههای جدی ملی شدن نفت بود، که اگر در حجم کامل مورد استفاده قرار میگرفت، مسلماً تأثیر جدی تری در خنثی ساختن توطئه های اقتصادی و مالی دول امپریالیستی علیه ایران بجا می گذاشت. در این زمینه بخصوص استقرار روابط وسیع در معاملات نفتی بین ایران و کشورهای سوسیالیستی اهمیت فراوان داشت، که چنانکه میدانیم، متأسفانه مورد توجه دولت دکتر مصدق قرار نگرفت. (۶)

اکنون که در موقعیتی نظیر آن زمان قرار گرفته ایم بسیار جای تأسف خواهد بود، اگر همان تجربه تلخ را بار دیگر تکرار کنیم و سنت نفت خود را، که ستون فقرات اقتصاد انقلاب ایران است، از استفاده از امکانات مساعدی که استقرار روابط وسیع با کشورهای سوسیالیستی دربر دارد محروم نگاه داریم. ما باید بدقت از گرفتاری به تله ای که امپریالیسم در این زمینه بر سر راه انقلاب ما گذاشته اجتناب ورزیم.

۱- تهران اکونومیست - شماره ۴۰۰، ۱۳۳۸
۲- مراجعه شود به نامه «مردم»، «چرا حکومت مصدق نفت به کشورهای سوسیالیستی فروخت»، ۱۷ اسفند ۱۳۵۸

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالتان و محترمان است

برقراری اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



«رنجبر»ی ها «کار» اقلیت می فروشند!

فروشندهگان «رنجبر» ارگان گرومک آمریکایی- مائوئیستی «رنجبران» برای تکمیل نقش ضدانقلابی که برعهده دارند، اعلامیه‌های اقلیت اخراجی سازمان چریک‌های فدائیان خلق را همی‌فروشند! کسانی که روز ۱۸ خرداد از قطب اسلامبول - فردوسی می‌گذشتند، مشاهده کردند که

افزایش نامعقول قیمت سیمان

با اینکه انبارهای سیمان وزارت بازرگانی مملو از سیمان است، شورای بررسی قیمت سیمان در وزارت صنایع و معادن قیمت سیمان را تا ۵۰۰ ریال افزایش داد. این افزایش قیمت در شرایطی صورت می‌گیرد که وزارت بازرگانی در انبارهای خود در خیابان خاوران مقدار ۳۰۰ هزار تن سیمان انبار کرده است. به این ترتیب افزایش قیمت سیمان در چندین شرطی معقول به نظر نمی‌رسد.

ناراضی تراسی عوامل ضد انقلاب در تبریز

عوامل ضد انقلاب با ایجاد ناامنی و بی‌نظمی در شهر تبریز، علیه انقلاب ایران توسط چینی می‌کنند و می‌کوشند مردم را نسبت به انقلاب بدبین کنند. این افراد به طرق مختلف به مردم حمله می‌کنند، شبانه وارد خانه‌ها می‌شوند و با سوء استفاده از نام نهادهای انقلابی، به حریم مردم تجاوز می‌کنند. چندی از این عوامل ضد انقلاب، روز ۲۰ خرداد، بعد از نیمه‌شب، بدون داشتن حکم رسمی وارد خانه یکی از اهالی

حمله به نمایشگاه جنایات آمریکا در اهواز

افراد ناشناسی در اهواز نمایشگاه عکس جنایات آمریکا در ایران را بهم ریختند. ساعت چهار بعد از ظهر روز جمعه ۲۳ خرداد، هنگامیکه تعدادی از اعضای حزب توده ایران در پارک «سه دختر» اهواز مشغول برپایی یک نمایشگاه عکس از جنایات امپریالیسم آمریکا بودند، مورد حمله قانون-شکنانه یک گروه پنج‌نفری قرار می‌گیرند. گروه پنج‌نفری که از یک بیگان‌زده و یک جیب سیم‌برگ آهن‌رنگ بدون شماره استفاده می‌کردند، ابتدا زورگویانه خواستار عدم برپایی نمایشگاه می‌شوند، و هنگامیکه در پاسخ به سؤال اعضای حزب دایر بر

انقلاب افغانستان به پیش می‌رود

سلطان علی کشتمند، معاون شورای انقلاب افغانستان، گفت که علیرغم توطئه‌های امپریالیستها و ارتجاع علیه افغانستان، این کشور دست‌اندرکار ساختمان جامعه نوین و صلح آمیز است. وی گفت که نیروهای مسلح و نیروهای خلقی افغانستان آماده‌اند با هر گونه توطئه و تجاوز عوامل امپریالیسم و ارتجاع مقابله کنند. کشتمند تأکید کرد که برنامه‌های صنعتی و کشاورزی، که در برنامه عمرانی سال جاری پیش‌بینی شده، علیرغم خرابی‌های جنایتکارانه اجرا می‌شود و انقلاب افغانستان به پیش می‌رود.

نیروهای پاکستان و چین در مرزهای افغانستان متمرکز شده‌اند

به گزارش هفته‌نامه هندی «دیلیت» و نیروهای پاکستان و چین در مرزهای مجاور افغانستان متمرکز شده‌اند. این هفته‌نامه تأکید کرده است که در این نواحی چندین پایگاه جدید ایجاد شده و چین از راه قره قوروم مهات نظامی برای پاکستان حمل می‌کند و این سلاح‌ها در اختیار باند‌های افغانی قرار می‌گیرد.

همچنین چین قول داده است که مشاوران خود را برای آموزش باند‌های افغانی در پاکستان افزایش دهد.

از سوی دیگر، امپریالیسم آمریکایی ارسال سلاح برای رژیم دست‌نشانده پاکستان را افزایش داده است. از جمله در هفته‌های اخیر آمریکاییان در زیادتی تا نیک و توپ در اختیار رژیم ضیاع‌الحق قرار داده است. قسمت بیشتر این سلاح‌ها در اختیار باند‌های افغانی در پشاور قرار می‌گیرد. گزارش‌های رسیده از پاکستان نشان می‌دهد که بندر کراچی اکنون مهم‌ترین محل تخلیه سلاح آمریکایی در پاکستان است. در چند مورد یاد-اندازان زحمتکش و میهن‌دوست کراچی خسرت خیر خود را از اقدام‌های رژیم دست‌نشانده ضیاع‌الحق، که پاکستان را به پایگاه تجسوز و تحریک امپریالیسم آمریکا تبدیل کرده و حیثیت پاکستان را به باد داده است، ابراز داشته‌اند.

فدراسیون سندیکائی جهانی خواهان تشدید مبارزه علیه استقرار موشک‌های هسته‌ای آمریکائی در اروپای غربی است

فدراسیون سندیکائی جهانی در پیای از کارگران و اتحادیه‌های کارگری اروپا خواست که مبارزه خود را علیه استقرار موشک‌های هسته‌ای آمریکائی در اروپای غربی افزایش دهند. در این پیافیه همچنین خواسته شده است که معاهدات ۲ هرچه زودتر تصویب شود. فدراسیون سندیکائی جهانی همچنین از افزایش تشنج در جهان بوسیله امپریالیستها شدیداً ابراز نگرانی کرده است.

تلاش برای بازسازی اقتصاد کامپوجیا بی‌وقفه ادامه دارد

در کامپوجیا تلاش برای بازسازی اقتصاد کشور و زدودن آثار رژیم دوران حکومت خون-آشام پوپولوت - بی‌کساری بی‌وقفه ادامه دارد. از جمله کشت برنج، که محصول عمده کشاورزی است، وسعت بیشتری یافته است. گروه‌های همیاری دهقانی، مزایع زیادی را کشت کرده‌اند. قرار است در یک میلیون و پانصد هزار هکتار زمین برنج کشت شود. هزارها تراکتور ساخت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در مزارع بکار افتاده است از سوی دیگر، کشاورزان ویتنامی نزدیک مرز کامپوجیا هزار تن بذر در اختیار کشاورزان کامپوجیا قرار داده‌اند.

تحریکات چین در مرزهای ویتنام ادامه دارد

خبرگزاری جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرده که چین همچنان به تحریکات پیرامون خود در مرز دو کشور ادامه می‌دهد. این خبر - گزارشی تأکید کرده است که نیروهای چینی ما توره‌های تحریک آمیز در مجاورت مرز دو کشور انجام می‌دهند و بارها روستاهای مرزی ویتنام را گلوله باران کرده‌اند. خبرگزاری ویتنام این اقدام‌ها را نشانه آمادگی مائوئیست‌های چینی برای دست زدن به تجاوز جدید علیه ویتنام میدانند.



کارگران لبنان همبستگی خود را با انقلاب افغانستان اعلام میکنند

رئیس اتحادیه ملی کارگران لبنان در مصاحبه‌ای تأکید کرد که آن دسته از رژیم‌های ارتجاعی عرب، که در کفرانی اسلام آباد در بهار افغانستان اشک تماشیح ریختند، این باری بدست نیروهای امپریالیستی هستند که مردم مسلمان را زیر فشار گذاشته‌اند و تاکنون کوچکترین اقدامی در مورد مقابله با دولت متجاوز اسرائیل و کوتاه کردن دست این کشور از اماکن مقدسه اسلامی بر نداشته‌اند.

وی گفت که تبلیغات امپریالیسم و ارتجاع عرب در مورد افغانستان با تبلیغات ضد شوروی توأم است و هدف از این تبلیغات منحرف کردن افکار عمومی عرب از سیاست تجاوزکارانه قدرتهای امپریالیستی در خاورمیانه است.

رئیس اتحادیه ملی کارگران لبنان گفت که باید همه نیروها برای مقابله با امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بسیج شود و تبلیغات خصمانه علیه افغانستان شدیداً ممنوع است.

شورای جهانی صلح خواستار قطع کشتار در کره جنوبی شد

شورای جهانی صلح از همه مردم جهان خواست که کشتار وحشیانه در کره جنوبی را متوقف کنند و همبستگی خود را با مردم مبارزین کشور اعلام نمایند.

شورای جهانی صلح خواستار قطع کشتار وحشیانه مردم از سوی داور دوست نظامی فاشیستی سئول شد و اعلام کرد که امپریالیسم آمریکا، که حمایت از این داور دوسته ادامه می‌دهد، مسئول مستقیم این کشتار است.

شورای جهانی صلح تأکید کرد که آمریکا باید به حمایت خود از رژیم کره جنوبی پایان دهد و مداخله آشکار در امور داخلی مردم کره جنوبی را قطع نماید و نیروهای خود را از این کشور خارج کند.

یاسر عرفات: هدف معاهده کمپ دیوید، دائمی کردن اشغال سرزمین‌های غربی بوسیله صهیونیست‌های اسرائیلی است

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین گفت که تقویت نیروی نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس برای تصرف منابع نفتی خلیج فارس صورت می‌گیرد.

عرفات توافق نامه کمپ دیوید را شدیداً محکوم کرد و گفت که هدف این معاهده دائمی کردن اشغال سرزمین‌های غربی بوسیله صهیونیست‌های اسرائیلی است.

تحریکات چین در مرز هند

به گزارش مطبوعات هند، مائوئیست‌های چینی تدارکات نظامی در مرز هند را افزایش می‌دهند روزنامه جان‌توت نوشت که یک دردت دست به تأسیس پایگاه‌های موشکی زده‌است. به گزارش این روزنامه، هند موشک‌های از پایگاه‌ها مستقر شده، که بطرف هند فحاشی در هند نشان داده‌اند از سوی دیگری چین، جدائی طلبان ایالت شمال شرقی هند را تحریک می‌کند و سلاح و مهمات در اختیار گروه‌های تجزیه طلب هند قرار می‌دهد. مائوئیست‌های چین می‌خواهند با اصطلاح کشور حائل میان چین و هند ایجاد کنند.

اوضاع سیاسی و اقتصادی ترکیه انفجار آمیز است

اوضاع سیاسی و اقتصادی ترکیه، در نتیجه مداخلات امپریالیستی و غارت ثروت‌های کشور بوسیله شرکت‌های چپاولگر خارجی، انفجار آمیز شده است. در ارتباط با این مسئله، دبیر کل سندیکائی کارگران فلزکار ترکیه اعلام کرد که از ۱۶ تا ۱۷ میلیون جمعیت فعال کشور، ۵ میلیون نفر بیکارند و اکثریت قریب بنفاق زحمتکشان در وضع بسیار فلاکت‌باری زندگی میکنند. وی گفت که هم مردم، از اساتید دانشگاه گرفته تا سربازان، زنان، کارگران و غیره، از اوضاع ناامنان کشور و سیاست سرکوب و ترسور و نقس حقوق بشر و چپاول ثروت‌های کشور و افزایش بودجه نظامی ناراحت‌اند و برای دگرگون کردن اوضاع وارد مبارزه میشوند. دبیر کل سندیکائی کارگران فلزکار ترکیه گفت که ابعاد بحران در ترکیه به سطح بیسابقه‌ای رسیده و هزاران کارگر در حال اعتصاب پس می‌روند و نرخ تورم، از سال ۱۹۷۸ تاکنون، به حدود ۲۵ درصد رسیده است.

این مقام سندیکائی ترکیه ضمن بحث درباره ترور فاشیستی حاکم در کشور گفت که دست کم ده تن هر روز بوسیله دست‌های تروریستی فاشیستی، که برای مقابله با مردم و مبارزان ایجاد شده، کشته میشوند.

شوخی نیست...!

توضیح درباره سیاست نه شرقی، نه غربی

قطب‌زاده وزیر خارجه ایران، بعد از ظهر پنجشنبه، به مدت نیم ساعت با هواکنک‌ها و وزیر خارجه جمهوری خلق چین ملاقات و گفتگو کرد. منابع موثق خبرگزاری فرانسه گفتند که موضوع عمده گفتگوها پیرامون حمله شوروی به افغانستان بوده. قطب‌زاده در گفتگوهای خود با مدیران سوسیالیست‌ها از حمله شوروی به افغانستان شدیداً انتقاد کرد (اطلاعات، ۲۳ خرداد).

آزمایه‌ترین

مردم دچار تحیر شده‌اند؟ چرا که رئیس‌جمهور مملکت عملیات چمق‌بستان را محکوم می‌کند. شورای انقلاب محکوم می‌کند. وزارت کشور محکوم می‌کند. سازمان مجاهدین محکوم می‌کند. اما معلوم نمی‌کنند که براندازان این حوادث قاجمه انگیز چه کسانی هستند؟ آیا مسئول این حوادث، که برای جمهوری اسلامی مانده است، اجنه‌ستلا که نمی‌توان با زدن اشکشان کرد یا ازدها بهیران؟ (کیهان - ۲۴ خرداد)

پنبه‌ها را از گوش در بیاورید

در آتش‌سوزی انبارهای عمومی، که ساعتی بطول کشید، صدها دستگاه بیخچال فریزر، تلویزیون، چرخ خیاطی، موتور آب، ماشین‌درختنوبی، دستگاه‌های سانترال تلفن، هزاران متر موکت، هزاران توپ کافت پاکت‌شیر پاستوریزه، مقدار زیادی جنس‌معرفی مردم، الک‌صنعتی، مواد اولیه، داروهای مسکن و کالاهای دیگر در آتش سوخت و به خاکستر تبدیل شد.

(کیهان، ۲۴ خرداد) در اسفندماه سال ۵۸ نوشته‌ای که بازار از کالاهای مصرفی مردم انبارهای گمرک گورستان میلیونها تومان کالای مصرفی مردم است. نوشته‌ای که صدها صندوق دارو، پیر، روغن، مواد غذایی و دیگر مواد مورد نیاز ضروری مردم در گمرک فاسد شد، و از بین رفته‌اند. نوشته‌ای که ۱۷۶ صندوق پنی‌سیلین در گمرک فاسد شد. آنچه در شرایطی که پنی‌سیلین در بازار نایاب است، نوشته‌ای که مواد اولیه کالاهای نجات را ترخیص کنید و چرث کارخانجات را بکار اندازید. اما کسی به این حرف‌ها گوش نداد (همانجا) - پنبه‌ها را از گوش در بیاورید.

کاخ بی‌دولت‌ترین کدیم

خانم ضرب‌لا کدیم آب‌و

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و بنا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه ایرانشهر شمالی بپردازید.

در جشن تولد بشیر - برای خانه حزب پدر و مادری جمع آوری شده است	۲۰۸۴۰ ریال
سینا	۵۰۰
سازمان حزب توده ایران در شهر کرد	۳۸۰۰۰
روزبه انزهر کرد	۵۰۰۰
یزدان انزهر کرد	۵۰۰۰
چواد ص انزهر کرد	۲۵۰۰
اختری انزهر کرد	۲۰۰۰
حبیبی انزهر کرد	۱۰۰۰
ا.ح.	۴۰۰۰۰
حمدا از آبادان	۲۰۰۰۰
ک. آشکران از تزوین	۳۵۰۰

نامه فرود
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۴۴۵۹-۹۳۵۷۲۸
شماره تلکس: 214081 TPI IR
چاپ: کلویان

MARDOM
No. 259
16 June 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.